

منشور جهانی حقوق بشر
آرمان مشترک لازم الحصول
همه ملت ها

در صفحه ۵

گزارش کمیسیون حقوق بشر به مجمع عمومی سازمان ملل :

نقض حقوق بشر در ایران همچنان ادامه دارد

اجازه نخواهند داد که بر اساس
فیراز اسلام قضاوت کنیم، یزدی
گفت: حاکمیت در ایران بر اساس
اسلام است و ما در اسلام
مجازاتهای معین و سیستم قضایی
مشخصی داریم و در مواردی نیز
مجازات اعدام داریم.
بدنابل یزدی، ناطق نوری
رئیس مجلس در نطق شدیداللحنی
گزارش کمیسیون حقوق بشر
درباره ایران را به باد حمله گرفت
و گفت: فعالیت طرفداران حقوق
بشر و سازمان ملل همیشه مورد
تردید ملت ما بود و مادر صداقت
مدعیان طرفدار حقوق بشر تردید
داشتیم، اما امروز با حرکت کاملاً
سیاسی و گزارشات کاملاً مغرضانه
آقای گالیندوپل به سازمان ملل و
بشور خود سیاسی طرفداران حقوق
بشر با ایران این شک و تردید ما
تبدیل به یقین شد.
ناطق نوری تأکید شکنجه و
کشتار مخالفان توسط رژیم
جمهوری اسلامی از سوی
کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل
را "یک حرکت سیاسی علیه نظام
جمهوری اسلامی" خواند و گفت:
ادامه در صفحه ۲

● کمیسیون حقوق بشر: در ایران شکنجه زندانیان و محاکمات ناعادلانه
ادامه دارد و شمار اعدامها همچنان بالاست

● رادیو جمهوری اسلامی: ایران همواره با سازمان های بین المللی بویژه
عفو بین الملل همکاری داشته است.

● ناطق نوری: ما فعالیت های امثال آقای گالیندوپل و صلیب سرخ جهانی را
معلق کردیم

به تصویب رسید اعدامهای وسیع،
ادامه شکنجه و کشتار زندانیان
سیاسی، سنگسار زنان و ادامه آزار
و اذیت اقلیت های مذهبی توسط
حکومت اسلامی ایران را محکوم
کرد.
انتشار گزارش کمیسیون
حقوق بشر با واکنش تند مقامات و
مطبوعات دولتی جمهوری
اسلامی مواجه شد. آیت اله یزدی
رئیس قوه قضائیه در نماز جمعه
تهران متهم کردن ایران به نقض
حقوق بشر را یک تحرک سیاسی -
حقوقی خواند و گفت مردم ما

این گزارش کمیسیون حقوق بشر
از مجمع عمومی سازمان ملل
درخواست کرده است که نظارت
بر چگونگی رعایت حقوق بشر در
ایران همچنان ادامه یابد و دولت
جمهوری اسلامی برای پذیرش
ادامه ماموریت آقای گالیندوپل و
انجام چهارمین سفر وی به ایران
زیرنشار قرار گیرد.
ماه گذشته، کمیسیون حقوق
بشر در اجلاس سالانه خود در ژنو،
بر اساس گزارش گالیندوپل نماینده
این کمیسیون طی صدور
قطعهنامه ای که با اکثریت آرا

کمیسیون حقوق بشر سازمان
ملل روز شنبه گذشته در اجلاس
خود در ژنو آخرین گزارش
رینالو گالیندوپل نماینده ویژه
کمیسیون درباره چگونگی
رعایت حقوق بشر توسط رژیم
جمهوری اسلامی را تصویب و آنرا
برای ارائه به مجمع عمومی
سازمان ملل متحد انتشار داد.
در گزارش کمیسیون حقوق بشر
گفته می شود که در ایران شکنجه
و آزار زندانیان کماکان ادامه
دارد و محاکمات ناعادلانه و شمار
اعدامها همچنان بالاست. در

خصوصیت هر دم مخاطره آمیز

در هفته های اخیر نشار از جانب کشورهای غربی و منطقه و مجامع
بین المللی بر جمهوری اسلامی بطور کم سابقه ای افزایش یافته است که
نمونه آخر و برجسته آن، گردهمایی نمایندگان هفت کشور بزرگ
صنعتی غرب در بن منظور دست یابی به سیاست مشترک در کنترل
صدور تکنولوژی پیشرفته به ایران بود. در تشدید این فشارها آمریکا
نقش جدی دارد ولی کشورهای اروپایی نیز به در حد امریکا اقدامات
خود علیه جمهوری اسلامی افزوده اند. فرانسوا میتران رئیس جمهور
فرانسه در مصاحبه با روزنامه اسرائیلی اظهار داشت که دیگر نباید
اشتباهی که قتل در عراق انجام گرفت، در مورد ایران تکرار کنیم.
دولت آلمان هم با حمایت آشکار از سلمان رشدی، نشان داد که از
سیاست دوره گذر در رابطه با ایران فاصله گرفته است.
تشدید فشارهای غرب همراه با بحرانی شدن روابط جمهوری
اسلامی با کشورهای عربی است. بین ایران و مصر دور تازه ای از تشنج
آغاز شده است. مصر به سازمان ملل شکایت کرده است که
تروریست های تربیت شده در ایران از راه سودان به مصر بازگشته و به
عملیات خرابکارانه دست می زنند. الجزایر ۷ دیپلمات ایرانی را اخراج
کرده است.

غربی ها کشورهای عربی را از جمهوری اسلامی می ترسانند و
میخواهند اعراب را در مقابل ایران قرار دهند. چنانچه دبیر کل اتحادیه
عرب نیز همصدا با کشورهای غربی اعلام میدارد که باید اختلافان را
کنار بگذاریم و با ایران مقابله کنیم.
گرچه در مورد کشورهای عربی از جمله مصر، رفسنجانی و وزارت
امور خارجه با احتیاط برخورد کرده از تشدید خصومت اجتناب
می ورزند ولی در رابطه با امریکارفتار حکومت در کل خصمانه تر شده
و بخشی از حکومت از جمله خامنه ای، جنتی و احمد خمینی بر حملات
ضد امریکایی خود افزوده اند. مطبوعات کشور پر از مقالات علیه
امریکا است. برخی از آنان از اینکه حملات علیه ایران افزایش یافته
است، خوشدند.

جمهوری اسلامی با اقدامات ناخردانه، سیاست اسلام گستری و
جنون خرید سلاح های پیشرفته زمینه را برای اتخاذ سیاست خصمانه از
جانب امریکا و کشورهای عربی فراهم می آورد. موضع جنگ طلبانه و
اعمال تحریک کننده جمهوری اسلامی در رابطه با موضوع فلسطین،
ماجرایی در خلیج فارس و دخالت های آن در بسیاری از کشورهای
عربی و غیر عربی و بویژه در کشورهای شمال آفریقا نمونه هایی از رفتار
رژیم در قبال اوضاع منطقه و جهان است.

دستاویز امریکا در تشدید فشار، صدور انقلاب اسلامی به یکسری
کشور های عربی و کشورهای آسیای میانه و بر نامه تسلیحاتی جمهوری
اسلامی است. برخی مطبوعات غربی مشخصاً طرح می کنند که سیاست
خارجی ایران دوباره به روزهایی بازگشته است که صدور انقلاب
اسلامی در سر لوجه کار بود. اما قضیه تنها به موضوعات بالا و اقدامات
اخیر جمهوری اسلامی بر نمی گردد. بلکه با تحولات درونی حکومت و
استراتژی امریکا در سطح جهان نیز ارتباط دارد. فریبنا روی
رفسنجانی به عنوان میانه رو حساب باز کرده بودند. آنها امیدوار بودند
که تندروها در انتخابات دوره چهارم مجلس حذف شده و راه برای
پیشبرد سیاست های رفسنجانی باز خواهد شد. اما روندهای بعد از
انتخابات بگونه دیگری پیش رفت. واپسگرایان به رهبری خامنه ای نیرو
گرفتند و فشار زیادی را بر رفسنجانی وارد آوردند. آنها موفق شدند که
ادامه در صفحه ۲

اجلاس بن برای کنترل
صدور تکنولوژی پیشرفته
به جمهوری اسلامی

بنابراین گزارش خبرگزاری هاروژ
جمعه ۲۰ نوامبر در شهر بن آلمان
فدرال، نمایندگان ۷ کشور صنعتی
آمریکا، انگلیس، کانادا، فرانسه،
آلمان، ایتالیا و ژاپن برای تبادل
نظر پیرامون کنترل صدور
تسلحات و تکنولوژی پیشرفته به
ایران گردهم آمدند. جزئیات این
مذاکرات و سطح نمایندگان
شرکت کننده در این اجلاس فاش
نشد. بنا بر گزارش
خبرگزاری "سی. ان. ان." که
آمریکا نگران صادرات بی رویه
تجهیزات و تکنولوژی پیشرفته از
غرب به ایران است. "ان. ان. ان."
"واشنگتن در تلاش است تا
حمایت متحدین غربی خود را
بر اعمال کنترل دقیق تر بر
صادرات تجهیزات فنی که
می تواند در زمینه های نظامی نیز
بکار رود جلب کند." قبل از آن
ژاپن اعلام کرده بود که در این

نشست سالانه سران اکو

اکو اکنون تمام کشورهای غیر عرب اسلامی منطقه
را در بر می گیرد.

در هفته ای که گذشت اجلاس
سالانه اکو در لاهور پاکستان
تشکیل گردید. سازمان
همکاری های منطقه ای (اکو)
چهار سال پیش با ابتکار ایران و با
همکاری ترکیه و پاکستان تشکیل
گردید. در اجلاس اخیر آقای
ولایتی از جانب ایران شرکت
داشت.
در اجلاس سال گذشته که در
همین ماه پارسال در تهران
تشکیل گردید اکثر کشورهای
آسیای میانه و آذربایجان به
عضویت پذیرفته شده بودند.
اکنون اکو به صورت سازمان
منطقه ای وسیعی، با عضویت ۱۰
کشور، در آمده است. ایران،
ترکیه، پاکستان، ازبکستان،
تاجیکستان، ترکمنستان،
تقریزستان، آذربایجان،
افغانستان، و کازاخستان اعضای
این سازمان به شمار می روند.
ادامه در صفحه ۳

اعتراف رئیس مجلس

به شکل گیری صف بندی جدید
در حکومت اسلامی

روزنامه کیهان با ناطق نوری
رئیس مجلس شورای اسلامی
به گفتگوی دو ساعته نشست و
نظرات او را در مورد مسائل خاد
سیاسی جو یا شده است. ناطق
نوری در این گفتگو پرده از
مسائل برداشته است که در درون
حکومت و بین گرایش های مختلف
نهان و آشکار جریان دارد.
گفته های او با توجه به موقعیت
کنونی اش در هرم قدرت حکومت
اسلامی و اطلاعاتی که از
"درون" دارد، حائز اهمیت
است. او در این گفتگو بصراحت از
دو گرایش موجود در درون
حکومت که در مقابل هم صف
کشیده اند، سخن گفته است.
در حالیکه دیگران سعی بر کتمان
چنین واقفیت آشکاری دارند.
خبرنگار کیهان می گوید که
یک صف بندی جدید در حال شکل
گرفتن است. یک طیف که پایبند

جدی به اصول دینی و اصول انقلابی
و پایبند به آرمانها و شعارهای اولیه
انقلاب و معتقد به ولایت فقیه
بعنوان یک اصل خدشه ناپذیر است
و فقط مقابل جریانی می باشد که
گرایشات لیبرالی و تکنوکراتی در
اتحادیتر است و دچار هم زدگی
و بها ندادن به آرمانهای اولیه
انقلاب مستند و پیش بینی می شود که
در آینده ما شاهد مباحثه
وصف بندی بین دو جریان خواهیم
بود و گروهمایی هم از هر دو طیف
گذشته در مریک از این دو گروه
جدید قرار می گیرند. خبرنگار از
ناطق نوری می پرسد که آیا چنین
تحلیلی را قبول دارید؟ او در
جواب میگوید این تحلیل را با
وضعی که شما می گوئید من هم
قبول دارم که عده ای اینگونه
می اندیشند و عده ای هم آنگونه.
اما معتقدم که در راس آن گروهی
ادامه در صفحه ۲

در این شماره :

آری، همبستگی!

در صفحه ۳

اروپا؛ مردم نامطمئن، مهاجرین و

نژادپرستی روبه گسترش

در صفحه ۷

ایدز: طاعون زمانه ما؟

در صفحه ۹

کشمکش بر سر

جزایر تنب و ابوموسی شدت گرفت

دو جزیره تنب دامن زد.
وزرای دفاع ۵ کشور عربی در
بیانه خود اقدامات ایران در
ابوموسی را محکوم کردند و آنرا
مغایر تمایل و اظهارات تهران
برای بهبود روابط با کشورهای
عضو شورای همکاری خلیج
فارس قلمداد کردند. در این بیانه
هم چنین بر حاکمیت امارات بر دو
جزیره تنب بزرگ و کوچک تأکید
شده است.
وزارت خارجه جمهوری
ادامه در صفحه ۳

با پذیرش بازگشت ساکنان
عرب جزیره ابوموسی از سوی
جمهوری اسلامی در هفته های
گذشته، انتظار میرفت کشمکش
بر سر جزایر تنب و ابوموسی میان
امارات عربی متحده و ایران
فروکش نموده و موضوع دعوا بر
سر میز مذاکره حل و فصل گردد.
اما بیانه اجلاس وزرای دفاع ۵
کشور عضو شورای همکاری خلیج
فارس که روز ۲۴ آبانماه در کویت
صادر شد، مجدداً کشمکش بر سر
نحوه کنترل ابوموسی و مالکیت

نقض حقوق بشر در ایران همچنان ادامه دارد

یادداشت

بسج؛ بازوی واپسگرایان

امسال هفته بسج در حال و هوای دیگری برگزار شد. آندسته از حکومتیان که از مدتها قبل بسج را علم کرده اند، این مناسبت را عرش اهلا برسانند و حضور آنها را در یکسری زمینه ها خواستار شوند. خامنه ای در پیام خود به همین مناسبت نقش بس رفیعی برای آنها قائل شد و گفت با وجود بسجیان مومن، آمریکا و همه قدرتمای عالم قادر به شکست نظام ما نخواهند بود. بسجی پایدار و ماندنی است و باید روز بروز توسعه یابد. او اضافه کرد که مسئولین کشور باید تدریس بسجیان را بدانند و در تقویت روحیه و تفکر بسجی بکوشند.

در تهران یکصد هزار بسجی را در روز زنگنه آزادی گردآوردند و هاشمی رفسنجانی برای آنها سخنرانی کرد. هم چنین بسجیان ۲۵ هزار ناحیه و پایگاه مقاومت بسج سراسر کشور در مراکز استانها و شهرستانها با تجمع و انجام مانور، برنامه های مشابهی را به اجرا گذاشتند. مجلس شورای اسلامی طرحی را تصویب کرد که به موجب آن "نیروی مقاومت بسج سپاه پاسداران اجازه دارد هنگام برخورد با جرائم مشهود اقدامات لازم را بعمل آورد." به موجب این طرح، بسجی ها می توانند همانند ضابطین قوه قضائیه کسانی را که مرتکب "جرائم مشهود" میشوند، بازداشت کنند. مجلس در همین حال طرح تسهیلات برای ورود بسجیان به دانشگاهها را تیدو فوریت در دستور کار خود قرار داد و سپس آن را به تصویب رساند. در حقیقت طرحی را که تاکنون اجرا می شد به صورت مضویه مجلس در آورد و دانشگاه آزاد را هم شامل این طرح کرد.

سایر گردانندگان حکومت نیز در مورد نقش بسجی ها سخنان زیادی بر زبان راندند و هر یک در مدح و تمجید از آنان گوی سبقت را از دیگری ربودند. ولی در همین حال برای بسجی ها که زمانی تنها وظیفه کشته شدن و روی مین رفتن قابل بودند، وظایف متعدد دیگری را طرح کردند. از وظیفه نمی از منکر تا وظایف اقتصادی. روزنامه رسالت از فرهنگ بسج سخن به میان آورد و گفت تردید نباید داشت که ما در مقطع کنونی بیش از زمان "دفاع مقدس" به فرهنگ "بسج" محتاجیم. در زمان جنگ بعد نظامی "بسج" بیشتر چهره می نمود، اما اکنون میدان های عمل اجتماعی، صحنه های حساس تری و خطیرتری فراروی بسج گشوده اند. بنظر نویسنده این روزنامه، در دوران بازسازی، قبل از آنکه چشم امید به نامحرمان و خارج نشینان و مرفهین بی درد در داخل و خارج داشت باشیم، باید به بسج و بسجی خود متکی باشیم.

سرتیب افشار فرمانده نیروی مقاومت بسج در گفتگو با روزنامه رسالت جوانب مختلف عملکرد بسج را شمرد و گفت در بعد نظامی و امنیت ملی نقش بسج که متشکل کننده امت حزب الله است به عنوان نقش محوری تلقی

ادامه از صفحه ۱

بهمین دلیل ما فعالیتهای مثل آقای گالیندوپل و صلیب سرخ جهانی را معلق کردیم. اسداله لاجوردی رئیس اداره سرپرستی زندانها که بدلیل قساوتها و وحشیگریهایش "تصاب اوین" لقب گرفته است در واکنشی در برابر انتقار گوشه هایی از سناکیهای رژیم از سوی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، مدعی شد در ایران با زندانیان بر اساس موازین اسلامی که در آن حقوق انسانی به بهترین شکل منظور شده رفتار می شود. اما وی بلافاصله افزود: نظام جمهوری اسلامی با جرمان اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی کشور قاطعانه برخورد میکند. لاجوردی که در تبریز با خبرنگاران سخن می گفت از نمایندگان کمیسیون حقوق بشر و

خبرنگاران اسی و خارجی دعوت کرد که از زندانهای جمهوری اسلامی بازدید کنند. رادیو جمهوری اسلامی نیز در برنامه تفصیر روز خود که معمولاً منعکس کننده سیاستهای رسمی حکومت اسلامی است نسبت به گزارش کمیسیون حقوق بشر واکنشی نشان داد و برداشت کمیسیون حقوق بشر از چگونگی رعایت حقوق بشر در ایران را ناشی از اختلاف میان "موازین حقوق اسلامی" و "موازین حقوق بین المللی" قلمداد کرد. این رادیو از مجامع بین المللی خواست که به پیشنهاد ایران برای همکاری در مطالعات حقوق تطبیقی پاسخ مثبت دهند و گفت ایران همواره در چهارچوب ملاحظاتی انسانی با سازمانهای بین المللی - بویژه هغو بین المللی

همکاری داشته و از سه ماموریت فرستاده ویژه کمیسیون حقوق بشر نیز استقبال کرده است. با این حال این رادیو در پایان تفصیر خود مجامع بین المللی و کمیسیون حقوق بشر را متهم کرد که "با توجه به شرایط جهانی و منطقه ای و برپایه صلاحدید برخی دولت ها گزارشهای خود را منتشر میکنند".

آخرین گزارش گالیندوپل که در کمیسیون حقوق بشر تصویب و به مجمع عمومی سازمان ملل ارائه شده است، چهارمین گزارش وی از وضعیت حقوق بشر در ایران در طول سه سال گذشته است. رژیم جمهوری اسلامی پس از انجام سومین سفر گالیندوپل به ایران در سال گذشته و انتشار گزارش ۱۲۱ صفحه ای از مشاهدات و تحقیقات خود در باره

خصوصیت هر دم مخاطره آمیز

ادامه از صفحه ۱

فضای سیاسی کشور را بسود خود بچرخانند و در یکسری زمینه ها سیاستهای خود را پیش ببرند. قرب با این تحولات امید خود را نه اینکه جمهوری اسلامی در مدت زمان کوتاه به سیاست معتدل روی بیاورد، از دست داد. قرب و بویژه آمریکا مشخصاً سیاست های جمهوری اسلامی را مقایسه می کند و خود تلقی میکند و جمهوری اسلامی نیز سیاست سلطه طلبانه آمریکا را در تقابل با منافع خود می بیند. در همین حال آمریکا در سطح جهان و بویژه منطقه خطر جمهوری اسلامی را بطور حساب شده بزرگ جلوه می دهد تا از یکسو کشورهای غرب را به خرید سلاح های غرب سوق دهد و حضور گسترده نیروهای نظامی خود را توجیه کند. و از سوی دیگر به کشورهای غربی القا کند که دشمن اصلی آنان نه اسرائیل بلکه ایران است تا بدین طریق آنها را در مقابل اسرائیل بلکه در قبال ایران متحد شوند و صف ببندند. بعلاوه آمریکا بعد از فروپاشی اتحاد شوروی در توجیه سیاست های تسلیحاتی و سلطه طلبانه اش درصد دشمن تراشی است. دیروز صدام و امروز جمهوری اسلامی و بنیادگرایی به دشمن خطرناک تبدیل شده است. در حقیقت آمریکا و جمهوری اسلامی در همین خصوصیت بوجود یکدیگر نیاز دارند.

تشدید خصوصیت بین جمهوری اسلامی و آمریکا و کشورهای غربی وضعیت مخاطره آمیزی را بوجود آورده است. تداوم این وضع بشدت نگران آور است. هر مسئله کوچک میتواند دستاوردی برای بحران خطرناک باشد. در این شرایط پیش از هر موقع در ایت سیاسی می توان از غلطیدن به فاجعه جلوگیری کند ولی بخشی از رهبری جمهوری اسلامی قابلیت بسیاری دارند که بسوی یک ماجرای تازه کشیده شوند که دود آن بیش از هر چیز به چشم مردم میهن ما خواهد رفت. و بار دیگر تاوان ماجراجویی و سیاست نابخردانه گردانندگان حکومت را مردم خواهند داد.

اعتراف رئیس مجلس به ...

ادامه از صفحه ۱

که اشاره کردید به اصول و ارزش های انقلاب و اصول دینی پایبند هستند، خود مقام رهبری قرار دارند و آن تفکر دیگر تفکر لیبرالیستی و تکنوکرات مابانه هست، شاید در بعضی جاها تخصص زدگی وجود دارد و این تلقی که ما باید اقتصادی فکر کنیم و ما فقط به اقتصاد کشور بیندیشیم تا اثرشکوفا کنیم.

ناطق نوری در مورد نقش خامنه ای می گوید که خود آقا دقیقاً اشراف بر جریانات دارند. فریاد ایشان راجع به امر به معروف و نهی از منکر را در همین راستا باید دید. حمله ایشان به تاجم فرهنگی را هم همینطور این احساس خطر بوده که ایشان وارد میدان شده و پیگیر مسائل هستند.

او در مورد رابطه مجلس شورا با خامنه ای می گوید: "مجلس واقعا مطیع اوامر مقام معظم رهبری است و بنا دارد در لایه سیاستی را که ایشان تعقیب میکنند به قوت و شدت دقیقاً حرکت کنند" و اضافه میکند که شعار ما اطاعت از رهبری است و جز این نمی توانیم بیندیشیم. محور ایشانند. ناطق طوری در مورد اختلافی که بر سر برقراری مناسبات با آمریکا وجود دارد، جایگاه مجلس را روشن میکند: "موضع مادر قبال آمریکا مشخص است و درست مثل موضع امام قاطع، صریح و جدی است. هرکسی جز این بیندیشد بنظر من برخلاف جریان آب شنا میکند و برخلاف سیر طبیعی انقلاب است." او می گوید استراتژی آمریکا سلطه گری، زور، آدمکشی و آقا بودن برای همه جاست و استراتژی ما حفظ اسلام و گسترش اسلام و وحدت اسلامی است.

در مورد مسائل فرهنگی ناطق نوری بر همان مواضع خامنه ای پای میفشارد و میگوید که بعضی از روشنفکرها اعتقادات مسلمانها را تضعیف میکنند: "مثلا این بحث که بالاخره "مدیریت فقهی" موفق هست یا "مدیریت علمی" من اعتقاد دارم که مطرح کنندگان آن خواسته یا ناخواسته در خدمت مهاجمین فرهنگی قرار می گیرند. یعنی اولاً علم را در مقابل نفع قرار دادن و بعداً همان ولایت فقیه را زیر سوال بردن. مدیریت فقهی یعنی ولایت فقیه یعنی حکومت ولی فقیه. ناطق

نوری سپس اضافه میکند که وارد کردن نیروی بی تفاوت یا تکنوکرات در دستگاه های دولتی خود یک تهاجم است.

ناطق نوری در این گفتگو در مورد مناسبات مجلس با دولت می گوید ما از دولت حمایت میکنیم ولی وکیل الدوله نیستیم. مجلس چهارم حق دارد روی بخش نظارت جدی تر برخورد کند. تاکنون سئوالات جدی از دولت شده و تحقیق و تفحص و استیضاح حق مجلس است. در همین حال او می گوید که مجلس حامی سیاست "تعدیل اقتصادی" است ولی در مورد شتاب پیشبرد این سیاست و تعدیل پیامدهای آن با دولت رفسنجانی اختلاف دارد. ناطق نوری در مورد یک ترحمی شدن ارزش خبر میدهد که کمیسیون برنامه و بودجه نامه ای را با ۲۵ سؤال به رفسنجانی فرستاده و در آن یادآور شده است که اگر نرخ ارز بخواهد واحد شود، این عوارض را دارد و سؤال شده است که درباره آنجا چه فکری شده است؟

خبرنگار کیهان از ناطق نوری در مورد صدا و سیما می پرسد و او جواب میدهد عناصری در صدا و سیما هستند که باب ما نیستند به همین دلیل هم تحقیق و تفحص گذاشتیم. با رهبری هم صحبت کردیم، ایشان تاکید کردند این کار را بکنید. این تحقیق و تفحص یک بعد نیست بلکه روی افراد و شناسایی افراد هم هست.

سخان ناطق نوری نشان میدهد که دو صف مشخص در درون حکومت شکل گرفته است. صف قشریون که در راس آن خامنه ای قرار دارد و صف "گرایشات لیبرالی و تکنوکراتی". گرچه او صریحاً نمی گوید که در راس جناح مقابل چه کسی قرار گرفته است، ولی از متن مصاحبه آشکار است که منظور هاشمی رفسنجانی است. در حقیقت ناطق نوری بر نزاع بین خامنه ای و رفسنجانی صحنه میگذارد و گرایشهای هر دو صف بندی را مشخص میکند. این گفتگو حاکی از آنست که ناطق نوری بهمه راه اکثریت مجلس شورا در طرف خامنه ای قرار داشته و مطیع اوامر او هستند و میکوشند رفسنجانی را بسوی سیاست های خود جلب کنند و او را از میدان دادن به تمایلات اجتماعی و فرهنگی تکنوکراتها برحذر دارند.

بیست و دومین سالگرد جنبش فدائیان را هر چه با شکوه تر برگزار کنیم!

جشن سالگرد باشکوه هنرمندان:

عارف و شامشورپور

زمان: شنبه ۶ مارس ۱۹۹۳ ساعت ۶ بعد از ظهر

محل: آلمان - بن

BRÜCKENKOPF-FORUM BONN-BEUEL
Zentrum Kennedybrücke
Friedrich-Breuer-Straße 17
5300 Bonn 3 - Tel. 02 28/46 03 79

سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

درباره ادعاهای "مسکونیوز" علیه سازمان ما

آری، همبستگی!

عواملی در شوروی سابق هیچ فرصتی را در بهم بافتن راست و دروغ از دست نیندهند. "انتهای استاد کجک به احزاب برادر" در زمره این تشبیهات است. هفتماهه "مسکونیوز" نیز اخیراً چنین کرده و در مطلب تنظیمی خود زیر عنوان "بار دیگر در مورد کمک صدقاته به احزاب برادر" علیه مناسبات سازمان ما با حزب کمونیست شوروی سابق ادعاهای صادر کرده است. مطلب فوق که "خبرگزاری جمهوری اسلامی" را بسیار خوش آمده، برای روزنامه‌هایی چون کیهان و سلام خوراکی تبلیغاتی فراهم آورده است.

خلاصه ادعاهای "مسکونیوز" علیه سازمان ما چنین است:

- حضور کادر رهبری و بخشی از اعضای سازمان طی چندسال در شوروی و افغانستان.
- عبور اعضای سازمان از مرز ایران و شوروی.
- تشکیل پلنوم کمیته مرکزی سازمان در اکتبر سال ۱۹۸۷ در تاشکند.
- و بلاخره این اتهام مسخره که: سازمان مذکور با پول حزب کمونیست شوروی در ایران فعالیت میکرد و بدون پشتیبانی و حمایت این حزب قادر به ادامه حیات نبوده است!

از آنجا که این ادعاها و اتهامات در معرض آگاهی بخشی از هم میهنان ما قرار گرفته است، وظیفه خود میدانیم تا نکاتی را توضیح کنیم.

* * *

از آنجا که این ادعاها و اتهامات در معرض آگاهی بخشی از هم میهنان ما قرار گرفته است، وظیفه خود میدانیم تا نکاتی را توضیح کنیم.

معاشرت جمع عظیمی از هموطنان ما از کشورهای دیگر طی سیزده سال گذشته، از جمله هوارض تلخ حاکمیت استبداد خونریز جمهوری اسلامی بر میهن ما بوده است. نیروی مهاجر سازمان، بخشی از این جمع بزرگ میباشد که برای خارج شدن از تیررس گزمنگان رژیم، از میهن دربر شد و در همه جای دنیا پراکنده گردید. بخشی از رفقای ما یا به شوروی رفتند و یا در اروپای غربی سکنی گزیدند. از آنجا که هر کشور برای

مهاجرین سیاسی، قبل از همه یک پناهگاه امن و یک محل اسکان به شمار می‌آید، لذا حضور بخشی از نیروی مهاجر سازمان در شهرهایی چون تاشکند، باکو، عشق‌آباد، کابل، هرات و فیره، هیچ چیز فربشی نبوده است که امروز توسط خواب‌ناهما کشف میشود و با هم‌اوهام میگردد.

آنهایی که اکنون حزب کمونیست شوروی سابق را بخاطر هر خوب و بد آن و از جمله بخاطر میزبانی و پذیرایی از مهاجرین سیاسی کشورهای دیگر می‌گویند، اگر به دموکراسی پایبند بودند به سراغ جمهوری اسلامی میرفتند و از آن میسر شدند که چه بر سر مردم ایران آورده است که صدها هزار ایرانی مجبور به ترک زادگاه خود شده‌اند.

در مقاله "مسکونیوز" با اشاره به سازمان ما آمده است که: "عبور ماموران این سازمان از مرز ایران و شوروی برای چندین بار و یک بار در آوریل ۱۹۸۹ تحقق یافته است".

اولاً، سازمان ما در استفاده از مرزهای ایران و شوروی برای ورود به ایران و خروج از آن، نه یکبار در آوریل ۱۹۸۹، که به کرات و دهها بار از این مرزها استفاده کرده است.

ثانیاً، ما این حرکت را در برابر رژیم قانون شکن و ضد مردمی جمهوری اسلامی، حق قانونی و مسلم خود میدانستیم تا بتوانیم رابطه بین تشکیلات داخل با بخش خارج از کشور سازمان از طریق مرزهای شمالی کشور - همانگونه که از طریق دیگر مرزهای کشور در قرب و شرق و جنوب - حفظ کنیم. ما برای تحقق وظایف مبارزاتی خود علیه رژیم که حق قانونی ما و همه اپوزیسیون را برای ماندن در کشور و بیان آزاد افکار و برنامه‌هایشان سلب کرده است، از جمیع اشکال "قانونی" و "غیرقانونی" بهره گرفته‌ایم و در صورت لزوم باز هم بهره خواهیم گرفت. استفاده از مرزهای اتحاد شوروی سابق و جمهوری افغانستان سابق توسط گروهی از میهن پرست‌ترین و مردم دوست‌ترین فرزندان ایران صورت گرفته بود که رفقای

شعیدی چون حمید منتظری، منصور دیانک‌شوری، حسن دشت‌آزاد و مجتبی مطلع سرابی از قربانیان فاجعه قتل‌عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ - از زمره آنها بودند.

* نشریه "مسکونیوز" در جای دیگری از مقاله خود مینویسد کمیته مرکزی سازمان ما در اکتبر ۱۹۸۷ با هزینه حزب کمونیست شوروی سابق در شهر تاشکند پلنوم خود را برگزار کرده است.

در این مورد هم جهت تکمیل آرشو این نشریه تصریح میکنیم که طی سالهای اقامت بخش عمده‌ای از کادر رهبری سازمان ما در شوروی، نه یکبار که شش بار پلنوم برگزار شد و هر شش بار هم ما از مساهدات‌های حزب میزبان بهره‌مند شدیم. کجای این امر شگفت‌آور و باصلاح مایه انشاگری است که گروهی مهاجر سیاسی دور هم جمع شوند تا بر سر همان مسایلی به تبادل نظر و اتخاذ تدبیر بنشینند که همت و وجودشان هم درست باور به این مسایل است؟ اگر براهی در کار نباشد قطعاً ذالتی در میان است که این مدعیان دروغین دموکراسی را به آنجا می‌رساند که حتی حق آزادی فعالیت سیاسی برای مهاجر سیاسی را چنین آشکارا نفی میکنند. اما ما مثل هر فعال سیاسی و هر مهاجر سیاسی در هر کجا که باشیم چنین اجلاس‌هایی را برگزار خواهیم کرد و در استفاده از این حق طبیعی و مسلم خود یابوهای یابوگویی را به هیچ خواهیم گرفت.

* ولی اتهام مضحکی که این نشریه بر سازمان وارد کرده، آنست که گویا فعالیت سازمان ما در داخل کشور به پول حزب کمونیست شوروی و حمایت ارگان‌های تحت نظر آن متکی بوده و بدون این پشتیبانی‌ها، سازمان قادر به ادامه حیات نبوده است!

درباره این ادعاها، زندگی خود بهترین داور است. سازمان ما از درون مردم ایران به فریاد درآمد، در کنار و میان مردم رشد کرد و حال نیز به اتکالی نیروی مردم به حیات خود ادامه میدهد.

در حاشیه رویدادها

در حسرت دوران گنشر

آورده و حسرت از دوران گنشر در رفتار مقامات جمهوری اسلامی کاملاً نمایان است. بی‌جهت نیست که سفیر موسویان به یار قدیمی جمهوری اسلامی گنشر - متوسل شده و از قول او می‌گوید: گنشر خواهان گسترش همکاری‌های دو جانبه و منطقه‌ای و بین‌المللی ایران و آلمان است.

نگرانی آقای موسویان از روابط تجاری با آلمان نیست. این مناسبات احتمالاً آسیب نخواهد دید. اما این اواخر این آلمانی‌ها یک چیزی‌شان شده و به یکباره دم در آورده‌اند! آقای سفیر هم این قضیه را خوب حس کرده‌اند. یک موردش همین قضیه سلمان رشدی است. دیگری ترور برلین است. می‌گویند پلیس آلمان همه حمله و اکره ایرانی - لبنانی جمهوری اسلامی را که مجری ترور برلین بودند دستگیر کرده و بزودی محاکمه آنها آغاز خواهد شد. اگر این آلمانی‌ها در این "دم در آوردنشان" جدی باشند، این محاکمه، محاکمه رژیم جمهوری اسلامی به عنوان طراح و مجری ترور برلین خواهد بود. بنابراین به آقای موسویان سفیر جمهوری اسلامی در آلمان باید حق داد که نگران "مناسبات" با آلمان باشد.

در طول سال‌های گذشته مناسبات جمهوری اسلامی با کشورهای غربی هر احوایی داشت، مناسبات با آلمان از نوع دیگری بود: بی‌درس، باثبات حتی گرم. در تجارت و اقتصاد این روابط تا به آنجا رسید که آلمان در ردیف بزرگترین طرف تجاری جمهوری اسلامی قرار گرفت.

گنشر وزیر خارجه کمنه کار آلمان نقش فوق‌العاده‌ای در این مناسبات و گسترش و قوام آن داشت. اما گنشر کنار رفت یا کنار گذاشته شد و وزیر خارجه جدید از قرار تفاوت‌هایی با گنشر دارد و یا مجبور است داشته باشد. حداقل تا آنجا که به جمهوری اسلامی مربوط می‌شود این تفاوت کاملاً محسوس است. مثلاً می‌گویند اگر گنشر همچنان در راس دیپلماسی خارجی آلمان قرار داشت ممکن نبود که سلمان رشدی به آن آسانی سفری رسمی به آلمان داشته باشد و از آن‌همتر وزارت خارجه آلمان در مقام دفاع از رشدی رسماً از حکومت اسلامی بخواد که فتوای قتل وی لغو شود.

این تغییرات در دیپلماسی خارجی آلمان تا حدی است که نگرانی‌هایی را در تهران پدید

وقتی یک بازاری

مجری قانون احزاب باشد

سیاسی دیگری رننده است. شاید ابتدا حیرت آور باشد اما اندکی پایین تر آشکار می‌شود که گروه‌های سیاسی که از سوی کمیسیون آقای بادامچیان اجازه فعالیت سیاسی یافته‌اند: جامعه اسلامی فرهنگیان، جامعه اسلامی اصناف و بازاریان، جامعه فارغ التحصیلان اروپا، آمریکا و اقیانوسیه...

نکته جالب در مصاحبه آقای بادامچیان تهرینی است که ایشان از آزادی می‌دهند: "هیچ فرد یا گروه و مقامی حق ندارد آزادی دیگران را سلب کند البته این آزادی نباید غیر مشروع و خلاف قوانین و روح قانون اساسی و روح انسانیت و خلاف آزادی‌های الهی و انسانی باشد." اما آقای بادامچیان نگفته‌اند که چنین "آزادی" را از کدام دکان عطاری می‌توان تهیه کرد.

وقتی در کشوری، سر نوشت و حیات و مجات ملتی دست فردی بنام ولی فقیه باشد و او خود را نماینده خدا بر روی زمین جازده و هر وقت اراده کرد هر تاروئی را در حق ملتی روا بدارد، محیب نخواهد بود اگر در آن کشور در راس کمیسیونی که مسئول اجرای قانون اساسی درباره احزاب سیاسی است، یک دلال بازاری قرار گیرد. در اوضاع و احوالی این چنین باز هم تعجب برانگیز نخواهد بود که نظایر "جامعه اسلامی اصناف و بازاریان تهران" به عنوان حزب سیاسی جازده شوند.

آقای اسداله بادامچیان رئیس کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب است. ایشان در مصاحبه‌ای با روزنامه رسالت گفته‌اند: طی چهار ماه گذشته ۳۰ جمعیت و گروه سیاسی اجازه فعالیت یافته‌اند و تا یکصد گروه اندک "تغیر از نضت آزادی پرونده گروه

دستگیری دو ایرانی

در رابطه با ترور دکتر کاظم رجوی

ترور دکتر کاظم رجوی را درج کرده بودند. در پی این واقعه، بیکاره یک تبعه اهل سوئیس که مدت‌هاست در ایران به سر می‌برد، دستگیر شد. هفته گذشته وزارت خارجه سوئیس با اعلام خبر بازداشت این بازرگان سوئیس در ایران نسبت به این اقدام واکنش نشان داد. او به اتهام مشروب خواری، ارتش و کوشش برای کسب اطلاعات نظامی جهت محاکمه به دادگاه نظامی تحویل داده شده است.

به گزارش رادیو بین‌المللی فرانسه روز ۲۹ آبان دو ایرانی به اتهام شرکت در ترور دکتر کاظم رجوی دستگیر شده‌اند. به گفته مقامات فرانسوی دو متهم طی یک بازرسی معمولی بدنی مورد شناسایی قرار گرفته‌اند. تاکنون نام افراد دستگیر شده اعلام نشده است. بر اساس گزارش‌های رسیده، دادگستری سوئیس حکم صادر کرده بود. چندی پیش روزنامه‌ها خبر بسته شدن پرونده

کشمکش بر سر ...

ادامه از صفحه ۱

اسلامی بی‌بینه وزرای دفاع ۵ کشور یاد شده را "فائد هرگونه اعتبار و ارزش سیاسی" خواند و این جزایر را ایرانی نامید و اعلام کرد که به هیچ کشوری اجازه دخالت در امور داخلی و تعرض به تمامیت ارضی خویش را نمی‌دهد. وزیر خارجه امارات عربی متحده هفته گذشته در اقدامی دیگر طی نامه‌ای به دبیر کل سازمان ملل، او را از وضع جزیره ابوموسی مطلع ساخت. تمایل امارات و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس برای کشاندن موضوع دهبابه سازمان ملل ابعا دکشمکش را گسترش خواهد داد و بجای حل و فصل آن به گسترش خصومت دامن خواهد زد.

اجلاس بن ...

ادامه از صفحه ۱

تاثیر رویدادهای جاری و مواضع کشورهای ذینفوذ در منطقه، بشدت و با سرعت، پرتنش و نگران آور میشود.

در قرب و بویژه آمریکا با شدتی روزافزون بر طبل خطر استراتژیک جمهوری اسلامی و بنیادگرایی اسلامی برای جهان صنعتی می‌کوبند و میکوشند با ترساندن همسایگان ایران از جمهوری اسلامی با سرازیر کردن سیل اسلحه به منطقه اقتصاد خود را رونق دهند. هارترین نمایندگان این سیاست گاه از "عملیات طوفان صحرای ۴۲" نام می‌برند.

از سوی دیگر رژیم جمهوری اسلامی نیز با تداوم سیاست‌های بغایت مهاجرجویانه، مداخله‌گرانه، تحریک آمیز، پان‌اسلامیستی و نیز مقابله جویانه از موضع عقب مانده و ارتجاعی، سیاستی ضد ملی را

ماجر او واقعا چگونه بود؟

در ماه ژوئیه گذشته گزارش دیگری در همین زمینه تهیه شده بود که به شایعات و ادعاها در این زمینه خاتمه دهد و عدم اطلاع بوش و ریگان را از هرگونه زدوبند ثابت کند. اما اینبار دیگر کسانی که می‌خواهند این سرشان فاش شود اریکه قدرت را از کف داده‌اند.

و سؤال اینجاست که آیا روزی خواهیم رسید که دیگر حق و حقیقت از اسارت در صلابه‌ی پول و زور رها شود؟ برای همیشه و در همه جا.

اخیراً در سنای آمریکا گزارشی تهیه شده است که قرار است تا چند روز دیگر در جلسه علنی مورد رسیدگی قرار گیرد. طبق این گزارش ویلیام کیسی رئیس سابق سیدار سال ۱۹۸۰ در مادرید نمایندگان رژیم ایران را ملاقات کرده و درباره تصویب آزادی گروگان‌های آمریکائی در تهران با آنان گفتگو کرده است. گزارش می‌گوید قرار قطعی دولت کارتر با دولت ایران این بوده است که گروگان‌ها در اکتبر سال ۱۹۸۰ و درست یک ماه قبل از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا آزاد شوند. اما ویلیام کیسی که حالا مرده است - به نمایندگی و با اطلاع و دستور جرج بوش و شخص ریگان در تلاش موفقیت آمیز توانسته است با معامله با ایران جلوی آزادی آمریکائیان را بگیرد و آن را تا ۱۹ نوبه، یعنی روزی که ریگان ریاست جمهوری را از کارتر تحویل می‌گرفت، به تاخیر اندازد.

نشست سالانه ...

ادامه از صفحه ۱

است. با آنکه وزیر خارجه، دکتر ولایتی، نگاه خود به اکو را چنین توصیف می‌کند: "ایران اکو را مبتلای برای تشکیل بازار مشترک اسلامی می‌داند" اما تصور نمی‌رود نه ایران و نه کشورهای عرب در شرایط فعلی بخوانند یادر شرایطی باشند که در چنین راستائی عمل کنند.

یورش به آموزشگاه موسیقی نکینسا

در ادامه مقاله عناصر حزب الله با فعالیت های هنری و یورش آنان به نهادهای فرهنگی غیر حکومتی، محل آموزشگاه موسیقی "نکینسا" مورد حمله نیروهای حزب الله قرار گرفت. بنا بر گزارش خبرنگار حزب ملت ایران، روز دوشنبه بیست و پنجم آبان ماه، ماموران اداره نظارت بر اماکن عمومی منطقه انتظامی تهران به آموزشگاه موسیقی "نکینسا" در خیابان بهارستان یورش برده و با ضبط همه وسایل این آموزشگاه به فعالیت آن خاتمه دادند.

در گذشت پرویز دهداری

پرویز دهداری فوتبالیست مشهور و کاپیتان سابق تیم ملی فوتبال ایران در سن ۵۷ سالگی و در اثر سکته قلبی، در تهران درگذشت. دهداری یکی از مشهورترین فوتبالیست های دهه ۴۰ ایران بود. دهداری فوتبال را از سنین نوجوانی در آبادان آغاز کرد و پس از مدتی به تیم شاهین تهران پیوست. دهداری چندین سال کاپیتان تیم ملی فوتبال بود. وی پس از پایان دوران بازیگری خود، یکبار قبل از انقلاب و یکبار نیز پس از انقلاب بعنوان مربی تیم ملی انتخاب شد. پرویز دهداری در میان جامعه ورزشی ایران چهره های محبوب و انسانی در ستکار به شمار میامد. نشریه کار درگذشت پرویز دهداری را به بستگان او و جامعه ورزشی ایران تسلیم می گوید.

قتل دو پناهنده ایرانی در بلژیک و آلمان

یک جوان پناهنده ایرانی به طرز فجیعی در بروکسل به قتل رسید. مقتول، محمد مسیح منصف، سی ساله و اهل شیراز است. او در روز ۲۷ نوامبر بر اثر پنج ضربه کارد که به پشت گردنش وارد آمده، به قتل رسیده است. قاتل یا قاتلین جسد این جوان پناهنده را در ملحفه ای پیچیده و آن را باسیم برق بسته بودند. پلیس بروکسل در حال تحقیق پیرامون این جنایت است و گویا برخی سرخ هاراپیدا کرده است. چندی پیش نیز جسد یک پناهنده ایرانی که بنجو فجیعی به قتل رسیده بود در جنگل های آلمان پیدا شد. هلت این جنایت هنوز ناروشن مانده است.

تعیین جایزه برای یافتن یک هلیکوپتر

دو هفته پس از اعلام خبر مشکوک مفقود شدن یک هلی کوپتر وابسته به شرکت محاب قدس، برای یافتن آن جایزه تعیین شد. گفته شده است که این هلی کوپتر ۱۵ سال سنشین روز ۱۸ آبان مفقود شده است. معاون سیاسی-امنیتی استانداری چهار محال و بختیاری ضمن اعلام خبر فوق اعلام داشته است که برای یافتن هلی کوپتر مزبور ستادی متشکل از مسئولین انتظامی چهار محال و بختیاری و هوایرورز اصفهان تشکیل شده است.

اجلاس اوپک و سهمیه بندی جدید نفت

نود و دومین اجلاس وزرای ۱۲ کشور عضو اوپک سقف تولید نفت این سازمان و هر یک از کشورهای عضو آن را برای سه ماهه نخست سال آینده میلادی تعیین کرد. این اجلاس که روز ۲۷ نوامبر پایان یافت، برای اوپک سقف تولید روزانه ۲۴/۵۸ میلیون بشکه را در نظر گرفت. سهمیه تولید روزانه نفت هر یک از اعضا اوپک برحسب میلیون بشکه به شرح زیر اعلام شد: الجزایر ۵/۸ - کابن ۵/۳ - اندونزی ۱/۴ - ایران ۳/۵ - عراق ۵/۵ - کویت ۱/۵ - لیبی ۱/۴ - نيجریه ۱/۶ - قطر ۵/۴ - عربستان سعودی ۸/۴ - امارات متحده عربی ۲/۳ و ونزوئلا ۲/۳. اجلاس همچنین کویت را مجاز دانست هر مقدار که توانائی دارد بر تولید خود بیفزاید. ایران سهمیه تولید خود را که جدا از توان تولیدی اش ۳/۹ تعیین شده بود ۵/۴ میلیون بشکه کاهش داد. کاهش سقف تولید اوپک که بخاطر تثبیت قیمت نفت صورت گرفت بازتاب قابل توجهی در قیمت نفت نداشته است، ضمن اینکه هواملی در جهت کاهش قیمت نفت تاثیر می گذارند. پیش بینی ورود عراق به بازار نفت در سال آتی میلادی با توجه به دفاع

امضای توافقنامه

برای بازگشت پناهندگان افغانی

روز ۷ آذر (۲۸ نوامبر) خبرگزاری ها گزارش دادند که موافقتنامه ای بین جمهوری اسلامی ایران و کمیساری عالی امور پناهندگان سازمان ملل متحد امضا شد. که کمک و حراست از سه میلیون پناهنده مقیم ایران را در بر می گیرد. به امضا رسیده است. خبرگزاری فرانسه گزارش کرده است که در یک یادداشت تفاهم، در مورد حراست، کمک و تلاش برای یافتن راه حل های پایدار برای بازگرداندن سه میلیون پناهنده مقیم ایران توافق شده است. مقامات مسئول در جمهوری

فوتبال داخل سالن ایران چهارم شد



سعیدرجی گلزن جام جهانی فوتبال سالن

تیم ملی فوتبال داخل سالن ایران در مسابقات جهانی این رشته که در هنگ کنگ برگزار شد به مقام چهارم جهان دست یافت. برای بدست آوردن این عنوان، تیم ایران در ۸ بازی شرکت کرد و ۵ پیروزی بدست آورد. تیم ایران در نخستین مسابقه خود در برابر هلند نایب قهرمان دوره قبل ۲ بر ۱ شکست خورد، اما در مسابقات بعدی تیم پر قدرت ایتالیا را ۷ بر ۵ و پاراگوئه را ۱ بر ۰ شکست داد و در گروه خود به مقام قهرمانی رسید. در مرحله دوم ایران با سه تیم اروپایی لهستان، اسپانیا و بلژیک هم گروه شد و هر سه تیم را به ترتیب با نتایج ۲ بر صفر، ۴ بر ۲ و ۲ بر صفر شکست داد و با امتیاز صدر نشین گروه خود شد ایران در نیمه نهایی با نتیجه دور از انتظار ۴ بر ۲ از امریکاشکست خورد و دیدار رده بندی را نیز ۶ بر ۹ به اسپانیا واگذار کرد. این دو شکست

از میان رویدادها

ضرب الاجل برای تهیه طرح مقابله با "تهاجم فرهنگی"

شورای عالی انقلاب فرهنگی در اجلاس روز ۳۰ آبان خود، وزارت ارشاد را موظف کرد طی عوامه طرحی برای مقابله با "تهاجم فرهنگی" در ابعاد ویدئو، ماهواره، سینما، تئاتر و صدا و سیما را مدون کند. و در اختیار شورای عالی انقلاب فرهنگی قرار دهد. همچنین وزارتخانه مزبور موظف شد ظرف سه ماه در همه ارگان های فرهنگی دولتی، سیاست واحدی را تنظیم کرده و سیاستهای آن را هماهنگ کند. شورای عالی انقلاب فرهنگی که ریاست آن با هاشمی رفسنجانی است، همچنین به "دفتر نمایندگی های مقام رهبری در دانشگاه ها"، وزارتخانه های فرهنگ و ارشاد

سفر ولایتی

به سارایوو و صورت نگر فت

علی اکبر ولایتی، وزیر خارجه رژیم جمهوری اسلامی که برای سفر به سارایوو وارد زاکر ب شده بود، اعلام داشت که مقامات فربی مانع سفر او به سارایوو شده اند. وی در یک مصاحبه مطبوعاتی در زاکر ب ابراز داشت دلیل اقدام دولت های فربی این بوده است که



ولایتی در زاکر ب

به نفع فرب نیست که ایران در تحولات جمهوری بوسنی نقش فعالی داشته باشد. روز چهارشنبه ۴ آذر (۲۵ نوامبر) یک هواپیمای کمکرسانی سازمان ملل توسط صرب ها هدف تیراندازی قرار گرفته بود. این موضوع سبب گردید که سفر ولایتی که قرار بود

معاون وزیر کشاورزی کشته شد

روز جمعه ۲۹ آبان در یک "حادثه" در جاده میانه - تبریز عبدالرسول مطهری معاون وزیر کشاورزی و دوتن از همراهان او کشته شدند. روزنامه های جمهوری اسلامی حادثه را "ساحه رانندگی" اعلام کردند و این اعلام خبر در روز بعد از حادثه صورت گرفت. اما گفته می شود این حادثه نه ساحه رانندگی بلکه "حمله مسلحانه" به اتومبیل های حامل میسی کلانتری و همراهان وی بوده است که منجر به قتل معاون وی و ۲ نفر دیگر از محافظان آنها می شود. تاخیر در اعلام خبر مرگ معاون وزیر و عدم انتشار جزئیات حادثه در روزنامه های

مصر تنها نماینده خود در تهران را به قاهره فراخواند

بدنبال کشمکش های اخیر میان مقامات تهران و قاهره، دولت مصر تنها نماینده خود در تهران را به قاهره فراخواند. پس از سالها قطع رابطه میان ایران و مصر، سال گذشته دفتر حفظ منافع در پایتخت های دو کشور گشوده شد. اما تیره گی دوباره بمناسبت دو رژیم در ماه های اخیر که در متن تیرگی مناسبات جمهوری اسلامی با تعداد دیگری از کشورهای عربی صورت گرفته است، این روابط نیم بند تازه را نیز برهم زد. روزنامه جمهوری اسلامی در حملات اخیر خود علیه مصر، رژیم این کشور را "شیطان کوچک" نامیده است.

کاهش روابط ایران و الجزایر

روز سه شنبه ۲۶ آبانماه دولت الجزایر اعلام کرد تعداد دیپلمات های خود در تهران را کاهش می دهد و مناسبات خود را با جمهوری اسلامی در سطح "نهادین" نگه می دارد. این اقدام دولت الجزایر پس از یکسال کشمکش پنهان و آشکار میان تهران و الجزیره صورت می گیرد که طی آن مقامات الجزایر بدفعات حکومت جمهوری اسلامی را به دخالت در امور داخلی آن کشور و حمایت از بنیادگرایان اسلامی الجزایر متهم می کنند.

رئیس جمهور از بکستان در تهران

"اسلام کریم اف" رئیس جمهور ازبکستان روز چهارم آذر برای یک دیدار دوزوزه در راس یک هیات سیاسی و اقتصادی وارد تهران شد. او دیدارهای جداگانه ای با هاشمی رفسنجانی، خامنه ای و ولایتی داشت و به اصفهان نیز سفر کرد. در پایان سفر رئیس جمهور ازبکستان به تهران، بیانیه مشترکی توسط روسای جمهور دو کشور انتشار یافت. این بیانیه شامل ۷ سند در زمینه های: اصول مناسبات فی مابین، موافقتنامه بین بانک های مرکزی دو کشور، موافقتنامه بازرگانی، موافقتنامه حمل و نقل هوایی، یادداشت تفاهم همکاری های صنعتی، علمی و فنی، یادداشت تفاهم حمل و نقل و یادداشت تفاهم در زمینه ارتباطات. بیانیه مشترک در زمینه مسائل بین المللی و منطقه ای، موارد زیر را شامل می شد: ضرورت همکاری کشورها و سازمان های منطقه ای و بین المللی به منظور تحکیم امنیت جمعی، نقش سازمان های بین المللی در خصوص نظارت بر صلح، برخورد عادلانه و مسالمت آمیز در حل و فصل مسائل منطقه ای و بین المللی، ضرورت استفاده از توانیهای موجود در امر شکوفایی کشورها، استقرار هر چه سریعتر صلح و ثبات در افغانستان و مساعدت جهت پایان دادن به برخوردهای مسلحانه در تاجیکستان بر اساس احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی و عدم مداخله در امور داخلی این کشور.

بمناسبت ۱۰ دسامبر سالروز تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر

منشور جهانی حقوق بشر

آرمان مشترک لازم‌الاحصول همه ملت‌ها

روز ۱۰ دسامبر سالروز تصویب و انتشار اعلامیه جهانی حقوق بشر است. در سال ۱۹۴۸ مجمع عمومی سازمان ملل با هدف برسمیت شناختن شأن انسان و حقوق انسانی و ذاتی همه افراد بشر - که در مقدمه اعلامیه از آن بعنوان بنیاد آزادی، عدالت و صلح در جهان یاد شده است - و نیز با هدف تأمین این حقوق برای همه اعضای خانواده بشری، منشور جهانی حقوق بشر را به تصویب رساند.

این منشور اشعار می‌دارد: «هر انسانی بدون مرز، تبعیض بر اساس نژاد و رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقاید سیاسی و دیگر اعتقادات با هر منشاء ملی یا اجتماعی و با هر موقعیتی به لحاظ مالکیت و نسب، حق دارد که از حقوق و آزادیهای مصرحه در این اعلامیه برخوردار شود. آزادی عقیده و بیان، آزادی مذهب و وجدان، برابری در برابر قانون، آزادی اجتماعات و انجمن‌ها و حق مشارکت یا عدم مشارکت هر فرد در آنها، حق انتخاب محل سکونت، حق کار و حق انتخاب آزادانه شغل، حق برخورداری از امنیت، حق پناهندگی بخاطر تحت پیگرد بودن و... از جمله حقوق و آزادیهای است که در مواد ۳۰ گانه منشور جهانی حقوق بشر تصریح شده است. همه دولت‌های عضو سازمان ملل در همکاری با سازمان ملل، متعهد و ملزم به احترام به این منشور و اجرای مفاد آن شده‌اند.

هم‌اکنون ۴۴ سال از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌گذرد. میتوان گفت که از آن روز تاکنون جامعه بشری در کلیت خود سیری روبه‌تعالی را در پاسداری از حرمت انسان و احترام به حقوق بشر طی کرده است، اما هنوز ابعاد بیدادگریها در حق انسان چنان است که گویی چیزی فرق نکرده است و بعد از گذشت این همه سال مفاد مقدمه منشور هنوز هم هینا و باتمام بار و قوت خود مصداق دارد که «بی‌احترمی به حقوق بشر و خدشه‌دار کردن آن به وحشی‌گریهایی منجر شده که وجدان انسانی را همیقا جریحه‌دار ساخته است.» فاجعه انسانی ناشی از تحطی در سوماتالی و همینطور بسیاری دیگر نقاط جهان - اجماع در برابر دیدگان جهانی که بی‌هیچ تردیدی توانایی ارتزاق ساکنان خود را دارد - نسل‌کشی آشکار در بالکان و موارد مشابه آن در پهنه گیتی و ادامه منطق زور در مناسبات بین‌المللی و حضور رژیم‌های جبار و مستبد بسیاری همچون رژیم حاکم بر کشور ما، از جهان امروز ما تصویری جز آنچه ارائه شد بر اذهان باقی نمی‌گذارد.

سازمان ملل تاکنون در الزام عملی دولتهای عضو که جملگی برپای منشور مهر تأیید نهاده‌اند، نتوانسته است نقش جدی و کارساز داشته باشد. تا پیش از پایان جنگ سرد مناسبات حاکم بر جهان

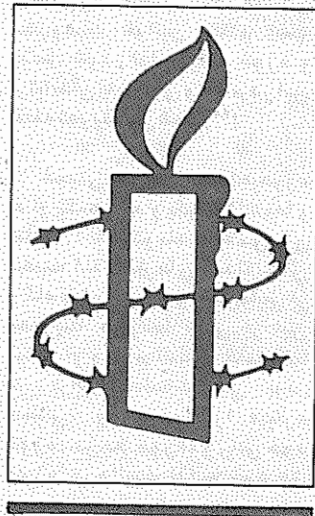
روز ۱۰ دسامبر سالروز تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر است. در سال ۱۹۴۸ مجمع عمومی سازمان ملل با هدف برسمیت شناختن شأن انسان و حقوق انسانی و ذاتی همه افراد بشر - که در مقدمه اعلامیه از آن بعنوان بنیاد آزادی، عدالت و صلح در جهان یاد شده است - و نیز با هدف تأمین این حقوق برای همه اعضای خانواده بشری، منشور جهانی حقوق بشر را به تصویب رساند.

و همینطور سازمان ملل همان مناسبات شرق و غرب و اتمار آن و توانی نانوشته میان این دو قطب بود که اجازه نمی‌داد سازمان ملل نظارتی بر میزان پایبندی دولتها بر رعایت حقوق بشر داشته باشد. سفاک‌ترین حکومتها بسته به اینکه در کدام قطب قرار داشتند از حمایت تمام‌کمال متحدین خود برخوردار بودند و حقوق بشر قبل از همه بعنوان یک حربه سیاسی در کشمکش‌های میان این دو قطب عمل میکرد. پایان جنگ سرد نیز چیزی را حل نکرده است و این مسئولیت بر دوش سازمان ملل همچنان باقی است که فارغ از مداخلات دولتهای ذینفوذ و محاسبات و ملاحظاتی سیاسی این دولتها، به پیگیری و نظارت جدی و بی‌طرفانه در زمینه چگونگی رعایت حقوق بشر توسط دولتهای عضو بپردازد.

اما، تراز نه‌چندان خوشایند در تحقق عملی مفاد منشور حقوق بشر در طول سالهای پس از تصویب آن، نباید بر اهمیت این منشور جهانی و تصویب آن در سازمان ملل متحد سایه بینگند. منشوری که ۴۴ سال پیش به تصویب رسید محصول پیشرفت و تعالی جامعه بشری بود، نمودار آن گرایش در جهان بود که - جامعه بشری نسبت به برخورداری مردمان همه کشورهای از زندگی شایسته نام و شان انسان از خود نشان می‌داد. این رویکرد جهان ما به انسان در تمام این سالها تقویت شده است. وجدان بشری اکنون بسیار بیش از گذشته به اصالت مفاد اعلامیه و قوت می‌یابد و نیروهای گسترده‌تری برای تحقق آن بسیج می‌شوند. میزان پایبندی دولت‌ها به مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر و تلاش برای عملی ساختن آن اکنون می‌رود که به یکی از شاخص‌های جهانی ترقی و توسعه بدل شود.

توصیف اعلامیه‌ها از «حقوق بشر» بمثابه یک مفهوم فراگیر و مستقل از موقعیت سرزمینی، ملی و وابستگیهای اجتماعی، سیاسی، مذهبی و نژادی به «اعلامیه جهانی حقوق بشر» خصلت عام بشری بخشیده و بطور واقعی آنرا به «آرمان مشترک لازم‌الاحصول همه خلقها و ملت‌ها» تبدیل ساخته است. آرمان مشترکی که برای تحقق آن و وادار ساختن دولتها به پایبندی به آن مبارزه گسترده و پردامنه‌ای را طلب میکند.

اجمال سالروز تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر با انتشار گزارش دیگری از سوی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل درباره ادامه نقض حقوق بشر در ایران مصادف شده است. این چهارمین گزارش این کمیسیون درباره ایران در سه سال گذشته است که توسط گالیندویل نماینده ویژه کمیسیون در ارتباط با ایران تهیه و برای ارائه به مجمع عمومی



مسعود احمدی

از هر آن چه در من است و از من
از هر آن چه با من است و نه از من
نه می‌نالم
و نه به شکوه می‌آیم.
تنها، گهگاه
بر کنار راه
دمی می‌مانم -
به زیر سایه درخت زیستم.
تا بنگرم
به هزار باره
در خویشتم .

و باز:
بر می‌خیزم و بر دوش می‌گیرم باز
تا مگر جهان را
گامی
به پیش برانم.

نه.
نه می‌نالم
و نه به شکوه می‌آیم
و به خود می‌بالم
از آن که انسانم.



اجرای اعلامیه جهانی حقوق بشر خواست عموم مردم ایران است

یکسال اعتراض جهانی علیه نقض حقوق بشر در ایران

جمهوری اسلامی ایران شکنجه رنج است و اعدام‌ها پس از محاکمات ناعادلانه صورت می‌گیرد.

● ژوئن ۱۹۹۲ - پارلمان اروپا در واکنشی نسبت به بازداشت‌های گسترده بدنبال افشاشات شهرهای اراک، شیراز و مشهد و اعدام دهها نفر از دستگیر شدگان با صدور قطعنامه‌ای حکومت جمهوری اسلامی را بخاطر نقض حقوق بشر و اعدام مخالفان محکوم کرد.

● ژوئن ۱۹۹۲ - در گزارش سالانه منتشره از سوی عفو بین‌الملل جمهوری اسلامی در صدر جدول رژیم‌هایی است که همه روزه ابتدائی‌ترین حقوق انسانی را به وحشیانه‌ترین اشکال پایمال می‌کند. عفو بین‌الملل می‌گوید در میان خیل زندانیان سیاسی در زندانهای جمهوری اسلامی جرم بسیاری از آنها تنها داشتن عقایدی متفاوت با عقاید حاکمان ایران است. در گزارش سالانه عفو بین‌الملل شمار اعدام شدگان در ایران در سال ۹۱ حداقل ۷۵۷ نفر اعدام شده است.

● اوت ۱۹۹۲ - اجلاس سالانه کمیسیون حقوق بشر در ژنو بار دیگر جمهوری اسلامی ایران را بخاطر ادامه نقض خشن حقوق بشر در ایران محکوم کرد. در قطعنامه‌ای که با اکثریت آرا به تصویب کمیسیون رسید، اعدام‌های وسیع، ادامه شکنجه و کشتار زندانیان سیاسی، سنگسار زنان و ادمه آزار و اذیت اقلیت‌های مذهبی توسط رژیم جمهوری اسلامی محکوم شناخته شده است.

کمیسیون حقوق بشر هم‌چنین به محاکمه و اعدام سریع بازداشت شدگان حوادث شهرهای اراک، شیراز و مشهد اعتراض کرد. چند روز پیش از این قطعنامه کمیسیون حقوق بشر در اعلامیه جداگانه‌ای خواستار لغو حکم قتل سلمان رشدی توسط حکومت اسلامی ایران شده بود.

● اکتبر ۱۹۹۲ - ۲۱۹ تن از اعضای مجلس نمایندگان امریکا و ۶۲ نفر از صد عضو سنای امریکا در نامه‌های جداگانه به دبیر کل سازمان ملل خواستار اقدامات شدیدتر این سازمان علیه حکومت اسلامی بخاطر نقض حقوق بشر شدند.

● نوامبر ۱۹۹۲ - چهارمین گزارش سالانه رینالدو گالیندویل نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل درباره وضعیت نقض حقوق بشر در ایران را به مجمع عمومی سازمان ملل ارائه شده است، گفته می‌شود که در ایران شکنجه کماکان ادامه دارد و محاکمات ناعادلانه و شمار اعدام‌ها همچنان بالاست.

گالیندویل در گزارش خود از مجمع عمومی سازمان ملل خواسته است که نظارت بر رعایت حقوق بشر در ایران همچنان ادامه یابد و دولت جمهوری اسلامی برای پذیرش ادامه ماموریت وی و انجام چهارمین سفرش به ایران زیر فشار قرار گیرد. این گزارش روز چهارم دسامبر در اجلاس کمیسیون حقوق بشر در ژنو تصویب و به عنوان گزارش این کمیسیون به مجمع عمومی سازمان ملل ارائه شد.

● فوریه ۱۹۹۲ - مشروح گزارش سومین سفر رینالدو گالیندویل نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل به ایران برای بررسی وضع حقوق بشر در حکومت جمهوری اسلامی، در ۱۲۱ صفحه انتشار یافت. گالیندویل در این گزارش به استناد مشاهدات خود از زندان‌های جمهوری اسلامی و ملاقات با برخی شهود نتیجه می‌گیرد که نقض حقوق بشر در ایران کماکان ادامه دارد و بهبودی در این زمینه به چشم نمی‌خورد. رژیم به وعده‌هایش در مورد رعایت حقوق بشر و اصلاح سیستم قضایی عمل نکرده است. اعدام‌های گسترده و شکنجه زندانیان ادامه دارد، حق زندانیان در برخورداری از وکیل مدافع نقض می‌شود. محیط عدم اطلاعات و دلهره برجامعه حکمفرماست و احزاب و انجمن‌ها غیرقانونی‌اند.

روزنامه‌نگاران نقض می‌شود و اقدامی برای جلوگیری از نقض حقوق توسط عوامل رژیم صورت نمی‌گیرد. گالیندویل در این گزارش از کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل می‌خواهد تا وضعیت حقوق انسانی در ایران را همچنان از نزدیک زیر نظر بگیرد. ● فوریه ۱۹۹۲ - عفو بین‌الملل با انتشار بیانیهای نسبت به ادامه نقض خشن حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران اعتراض کرد. در این بیانیه تأکید شده است که حقوق انسانی در جمهوری اسلامی کماکان و بطور جدی و گسترده‌ای پایمال می‌شود، دستگیری‌های سیاسی و بدون دلیل ادامه دارد، زندانیان مورد شکنجه قرار می‌گیرند و محاکمات همچنان ناعادلانه است.

● مارس ۱۹۹۲ - اجلاس سالانه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در ژنو طی قطعنامه‌ای به محکومیت رژیم جمهوری اسلامی به خاطر نقض شدید حقوق بشر در ایران رای داد. در این قطعنامه که بر اساس گزارش سفر سوم گالیندویل به ایران صادر شده بود، نسبت به شمار اعدام‌ها، تبعیض‌های گسترده مذهبی، محروم بودن متهمان از حق داشتن وکیل مدافع، نبود آزادی احزاب و انجمن‌ها در ایران بشدت ابراز نگرانی شد.

این کمیسیون ماموریت گالیندویل برای بررسی وضع حقوق بشر در ایران را بمدت یکسال دیگر تمدید کرد و موضوع نقض حقوق بشر در ایران را به مجمع عمومی سازمان ملل احاله داد. رژیم جمهوری اسلامی پس از این محکومیت بازرسان صلیب سرخ جهانی را از ایران اخراج کرد.

● ژوئن ۱۹۹۲ - عفو بین‌الملل بدنبال شورش‌های اعتراضی مردم در شهرهای اراک، شیراز و مشهد با انتشار دو اعلامیه نسبت به بازداشت‌های گسترده و محاکمه این حوادث هشدار داد و از اینکه محاکمات ناعادلانه صورت نگیرد و بازداشت شدگان مورد شکنجه و آزار قرار گیرند، ابراز نگرانی کرد.

حکومت حوزه!

بهرادگری

پیام خامنه‌ای به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، فرصتی بود تا آذری قمی طی سه سرمقاله در روزنامه رسالت (شماره‌های ۲۶، ۲۷، ۲۸ آبانماه) به روند تخاصم تشریوی در ششماه گذشته، تبیین تئوریک دهد و برای جهت دهی این روند در راستای تأمین هر چه بیشتر منافع روحانیت، ارائه طریق کند.

حکومت فقه و فقه حکومتی

آذری قمی در طول چهارده سال حکومت روحانیت، ولو به بجای متمم شدن به "خشکه مقدس" بودن هرگز حاضر نشد جمهوری اسلامی را تجسم کامل فقه و شرع معرفی کند، و ولو به قیمت متمم شدن به "تحریر" هرگز حاضر نشد احکام "سننی" را قربانی شرایط "زمان" و "مکان" نماید. اما امروز او میگوید این سخن امام را همیشه باید آویزه گوش کرد که: "حکومت، نشان دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی، نظامی و فرهنگی است. فقه، تئوری واقعی و کامل اداره انسان و اجتماع از گهواره تا گور است."

و می‌گوید: "مسائل مبتلا به مسلمین، فقه را از یک دایره تنگ و بسته فردی خارج می‌کند و در فضای وسیع و گسترده قرار می‌دهد. آن فضا، فضای "حکومت" است."

و بعد هم نتیجه می‌گیرد که: "حوزه‌های علمیه باید به پیام آگاهی بخش رهبر انقلاب لبیک بگویند و پرداختن به "فقه حکومتی" را از واجبات اساسی بدانند."

اولین پرسش: در جمهوری اسلامی چه می‌گذرد که آذری قمی اینچنین فقه را "پویا" تفسیر می‌کند و با اطمینان کامل،

حکومت فقیه را درست همان فقه حکومتی می‌نامد و حوزه روحانیت را به خدمت تمام و کمال روحانیت حاکم می‌خواند؟

احکام ولی فقیه، احکام اولیه

آذری قمی، در زمره کسانی بوده است که همواره بر سر احکام حکومتی بعنوان احکام اولیه، حرف و حدیث داشت و در همین رابطه هم چند بار از خمینی تشریح دید. اما اکنون می‌گوید: "مصلح حکومت و مصلح اداره جامعه مسلمین نقش تعیین کننده در صدور حکم دارد. حکم پیامبر به عنوان حاکم مسلمین حاکم بر احکام اولیه الهیه است. فعلی است و بر همه واجب است از آن اطاعت کنند."

دومین پرسش: خامنه‌ای چه کرده است که از طرف آذری قمی که تا چندی پیش حتی حاضر نبود او را آیت‌الله بنامد، اکنون چنین هرج و مرج مقام پیدا کرده و احکامش در ردیف احکام پیامبر و حاکم بر احکام اولیه الهیه قرار گرفته است؟

مدیر حوزه -

شورای نگهبان -

تصدی نظام

پاسخ دو پرسش فوق را زمانی بهتر می‌توان دریافت که بدانیم تایید و ندادن آذری توسط آذری قمی همراه است با ارائه خطی که او برای تثبیت و تضمین این روندها ترسیم میکند:

"مجموعه حوزه‌های علمیه و توان فقهانی ما باید در جهت استحکام مبانی فقهی نظام باشد تا ولی فقیه بر اساس محصول آن، نظام اسلامی را اداره کند. اکنون شورای نگهبان قوی‌ترین نهادی است که رهبری را در این راستا یاری می‌دهد. شاید سراسر اینکه یکی

از شخصیت‌های برجسته شورای نگهبان به عنوان مدیر حوزه انتخاب شده است همین باشد که مجموعه تلاش کار فقهانی حوزه از این طریق به اساسی‌ترین نهاد جمهوری اسلامی که متصدی مشروعیت قوانین نظام است متصل شود. لذا جایگاه حوزه و ارتباط آن با رهبری و نظام در این نقطه تعریف می‌شود.!!

* * *

خمینی، می‌خواست که حوزه به او تکیه دهد و بگفته "سمعا و طاعتا" با حکومت اسلامی وی تبعیت کند. تنش‌های همدستانان و گاه هیان بین او و بخش‌هایی از مدیریت حوزه‌ها ناشی از این تمایل او و عدم تمکین کامل آنها در برابر تحکیمات وی بود. خمینی، چون خود را عصاره حوزه، مرجع حوزه، و راس خود حوزه می‌دانست لذا به خود حق می‌داد تا حوزه را در وجود خود مستحیل بداند و به حوزه حق نمی‌داد تا در کنار او ابراز وجود نماید.

اما خامنه‌ای، نمی‌توانست آن باشد که خمینی بود. "جامه ولی فقیه، جامه‌ای است که فقط بر قامت خمینی برانزده بود!!" خامنه‌ای، مقام ولایت فقیه خود را نه مرمون انقلاب اسلامی و تایید میلیون‌ها انسان، که مدیون مجلس خبرگان و حمایت خیره‌های حوزه‌هاست. او بعنوان ولی فقیه اضطرابی، ناگزیر بود تا به حوزه تکیه کند. و او چنین هم کرد. حرکت وی در ششماه گذشته اعلام این مشی و روش بود: اتکاب به حوزه در بالا و تکیه به حزب الله در پایین. پیام اخیر او به حوزه، قبل از همه تصریح ذکر باره همین انتخاب بود.

آذری قمی این سخنکوی ثابت قدم اهل حوزه - با لبیک به پیام رهبر، در واقع حکومت حوزه را فریاد می‌زند، و اهل حوزه را فرا می‌خواند تا با همه وجود برای تثبیت و تضمین دستاورد خود بکوشند.

ولی نه از رقیب بلکه از خودمان. از طرف دیگر اگر کسی نقاب مارا چهره واقعی‌مان دانست، مردمی بودند که در آرزوی تلاش خدمت به آن ما بودیم.

تقریب یک دهه از آن روزهایی می‌گذرد که پیک سنگین واقعیت بر سر ما خورد. بسیاری از ما معتقدیم که در آن سال‌ها مرتکب خطا شده‌ایم. بسیاری از دیگران نیز چنین می‌اندیشند. منطقی این است که باید از این تجربه و این خطا آموخت و مشی سیاسی خود را بر ستون‌هایی استوار پایه‌گذاری کرد. اما متأسفانه هنوز نیروهای مشاهده می‌شوند که چهره‌ای خیالی از واقعیت طرح و آن را به جای واقعیت به رقیبان قالب می‌کنند. بگذارید به طرح مشخص مسئله بپردازم.

بخشی از اپوزیسیون ایرانی مقیم خارج از کشور به شدت از بیان ضرورت برکناری رژیم اسلامی حاکم بر ایران پرهیز می‌کند. اینان که گروهی از نیروهای چپ را نیز شامل می‌شوند، در واقع با رژیم سر سازگاری ندارند، لیکن تنها به طرح اهدافی ایجابی بسنده

چشم انداز بحران

ف. تابان

تحولاتی که از آغاز سال جاری و همزمان با انتخابات چهارمین دوره مجلس شورای اسلامی در ایران پیش آمده است، نه فقط خوشبینی‌ها و امیدوارهای مبنی بر بهبود اوضاع را کاهش داد، بلکه سیر احتمالی رویدادها در آینده را نیز مشخص‌تر کرد.

تحولات فوق هم در حکومت و هم در مردم و تحت تاثیر یکدیگر، فضای سیاسی کشور را تغییر داده است. انتخابات مجلس چهارم، نقطه عطفی در تغییر توازن قوای جناح‌های حکومتی بود. برخلاف پیش‌بینی‌های بخشی از اپوزیسیون و تبلیغات مطبوعات و تحلیل‌گران غربی، نیرویی که تحت حمایت مستقیم رفسنجانی و از زیر‌های او به درون مجلس خزید و آترابه تصرف خود در آورد، نه نیروی او بود و نه خیال داشت هم‌چنان شریک دست دوم رفسنجانی باقی بماند. انتخابات زمینه‌های شکاف در ائتلاف حاکم را فراهم کرد و آترا گسترش داد و به جایی رساند که اکنون از قول رئیس مجلس وجود دو جناح یکی به سرکردگی خامنه‌ای و دیگری به رهبری رفسنجانی مورد تایید قرار می‌گیرد.

آنچه به این روند شتاب بی‌سابقه‌ای داد، شعاع کشیدن اعتراضات مردم بود. گسترش اعتراضات مردمی، دومین واقعیت قابل تاکید در دوره مورد بحث است. شدت این اعتراضات، روحانیت سنتی را وادار ساخت که شتابزده از پس‌های رفسنجانی بیرون آید و سررشته اقدامات سرکوبگرانه را مستقیماً به عهده گیرد. روحانیت سنتی نیروی حزب الله را علیه مردم و همزمان و به گونه‌ای غیرمستقیم علیه رفسنجانی نیز - که به نظر روحانیون سنتی سیاست‌های پیش از پیش مردم را به گستاخی کشانده است، به کار انداخت.

شدت سرکوب و قدرت‌نمایی‌های ره‌آور نیروهای مسلح رژیم در مواجهه با قیام‌های بزرگ مردمی در تابستان گذشته، شکل بروز اعتراضات را عوض کرد، اما خود اعتراضات را از میان برداشت. اکنون به جای تظاهرات پرده‌نما، موجی از اعتراضات کوچک اما بی‌وقفه جریان دارد. این وضعیت را میتوان چنین خلاصه کرد: روحانیون سنتی یکبار دیگر وبا صراحتی که جای هیچ‌گونه تردیدی باقی نگذارند نشان داد که در دفاع از منافع ارتجاعی خود کوچکترین مخالفتی را تحمل نخواهد کرد و حتی بر فرزند و پاره تن خود خواهد شوری. توده‌های مردم این پیام را دریافته‌اند. امید به تغییرات مثبت در رژیم و سیاست‌های رفسنجانی رنگ باخته است و روحیه و زبان اعتراض، به روحیه و زبان همو می‌مردم در برابر رژیم بدل شده است. وضعیت موجود هم سرسختی در بالا و هم اعتراض در پایین را شدت می‌دهد.

وضعیتی که سیاست اقتصادی حکومت پیش آورده است عامل اصلی این بحران است. این سیاست، جامعه ایران را روز به روز بیشتر قطبی میکند. شکافهای طبقاتی در کشور ما هیچ‌گاه این اندازه عظیم و تحمل‌ناپذیر نبوده است. در حالیکه اقلیتی نه چندان پر تعداد با سرمایه‌هایی افسانه‌ای برای خود بهشتی واقعی فراهم آورده‌اند، جامعه ایران با سرعتی فاجعه‌بار به انتهای دره فقر سقوط میکند. فقر و گرسنگی اکنون تنها مسئله طبقات پایینی و کم درآمد و ندار جامعه نیست، اقشار متوسط نیز که همواره از رفاه نسبی برخوردار بوده و دستشان به دهانشان میرسیده است با سرعت به ورطه این گرداب کشیده می‌شوند. بخش نه چندان کوچکی از ۳۰ میلیون انسانی که در ایران به زیر خط فقر رانده شده‌اند را اقشار متوسط جامعه

تشکیل میدهند. تئوریست‌های رژیم این واقعیات دردناک را طبیعی و ناشی از دوران سخت‌گذار جلوه می‌دهند و بدون اینکه به مسئولیت ۱۴ ساله خود در پدید آوردن شرایطی که اکنون گذار از آن ضروری شده است اشاره کنند، از مردم می‌طلبند تا باز هم صبر و تحمل کنند و سفره‌های خالی خود را با وعده‌های پرطمطراق آتارنگین سازند. اما اوضاع دشوار کنونی تنها اثبات این ادعاست که هیچ برنامه‌توسعه - هرچند با نیت خیر و در نظر داشت منافع ملی جامعه هم باشد، نمی‌تواند به بجای گسترش بی‌عدالتی و فقر پیش‌رود و چشم‌انداز موقتی نیز داشته باشد. توسعه و پیشرفت تنها می‌تواند در حد معینی از ثبات و تعادل اجتماعی جریان یابد و از این لحاظ باید در هر زمان تعادل معینی میان این دو نیاز جامعه و انسان‌ها برقرار گردد. تضادهای عظیم انباشته شده در جامعه، نیروهای اجتماعی را به تعیین تکلیف قطعی و راه‌های رادیکال سوق میدهند. در چنین شرایطی سیاست‌های محافظه‌کارانه و رفرمیستی کمتر شانس برای موفقیت و تاثیرگذاری تعیین‌کننده بر حرکت مردم خواهند داشت. اصرار بر اینگونه سیاست‌ها تنها به معنی خالی‌گذارن میدان در برابر افراط‌گرایی نیرو‌هایی است که می‌خواهند قاطعیت خود در مبارزه با یک رژیم دیکتاتوری را بهانه استقرار یک رژیم دیکتاتوری دیگر سازند. اپوزیسیون دموکرات رژیم بدون ایستادگی برخواستاری رادیکال و قاطع در برابر جمهوری اسلامی شانس چندانی در تاثیرگذاری موثر بر تحولات آتی نخواهد داشت و متأسفانه باید تاکید کرد که این بخش از اپوزیسیون در خارج از کشور از رادیکالیسم موجود در جامعه به نحو چشمگیری عقب‌مانده است.

از رژیم حاکم بر ایران دارند، و این رژیم بهیچوجه تحمل یک اپوزیسیون را ندارد. گرچه توقع این رفتار از رژیمی که حتی توانایی تحمل برخی از جریان‌های متعلق به خود را نیز ندارد و در هر فرصت به سرکوب آن‌ها می‌پردازد، توقعی بیجا است. دوم اینکه بعید به نظر می‌رسد که حاکمان مسلمان تهران که به هر حال یک دهه پیش از این و این فاصله زمانی کوتاهی پس از در دست گرفتن قدرت، تصویر قریب ما از واقعیات را پذیرفتند، اینک پس از گذشت ده سال و افزایش سابقه و تجربه حکومتی چنین کنند. سوم اینکه این مشی تنها به مله‌های در دست مخالفان سیاسی برای وارد آوردن انواع اتهامات و سوءاستفاده سیاسی از آن در جهت اثبات حقانیت مشی سیاسی خود بدل خواهد شد. چهارم اینکه این شیوه برخورد سیاسی تأثیری بسیار منفی بر توده‌های مردم خواهد گذاشت که به هر حال در جریان تصمیم‌گیری‌های سیاسی ما قرار خواهند گرفت و چنانکه آمد، باید فاکتوری بس مهم در اتخاذ مشی و

می‌کنند و کمتر تمایلی به ورود به بحث نمی‌نشان می‌دهند. این شیوه برخورد در برخی از وجوه اساسی خود با شیوه برخورد ما در سال‌های اول پس از استقرار رژیم جمهوری اسلامی ایران یکی است. در این رابطه باید به چند نکته اشاره کرد. یکم اینکه برخی واژه‌ها معانی خاص و واحد خود دارند. آن‌ها را نمی‌شود به دلخواه خود تفسیر کرد. از جمله این واژه‌ها اصطلاح اپوزیسیون می‌باشد. اپوزیسیون سیاسی یک حکومت آن نیروی سیاسی است که خواهان برکناری آن حکومت است. این تعریف بسیار ساده‌تر از آن است که بتوان تفسیری دیگر از آن ارائه کرد. گذشته از آن، این امری مختص کشور ما و کشورهای نظیر آن نیست. حتی در کشورهایی نیز که تا حدود زیادی از آزادی‌های سیاسی برخوردارند، اپوزیسیون همواره در پی برکنار کردن حاکمان وقت و در دست گرفتن قدرت است. در قیر این صورت سخن از اپوزیسیون سخنی بی‌مفهوم است. با توجه به شناختی که ممکن

آزموده را آزمودن خطاست

بیژن اقدسی

این جمله، سخن حکیمانه‌ای است که متأسفانه گاه هنگام تدوین سیاست‌های گروهی و حزبی به فراموشی سپرده می‌شود و در نتیجه ناخودآگاه موجب نقش بستن هراس یک فاجعه در ذهن می‌گردد.

ما یک بار در سال‌های آغازین پس از دگرگونی‌های سیاسی بهمن ۵۷ دچار یک خطای سیاسی شدیم. به هر حال مایک طرفه خود را متحد صاحبان جدید قدرت شناختیم و برنامه شکوفائی جمهوری اسلامی را طرح ریختیم. این در حالی بود که بسیاری از ما حس می‌کردیم، می‌دانستیم و این طرح با واقعیات دوروبرمان و خودمان خوانائی نداشتند. ما می‌خواستیم به خط امام

اروپا؛ مردم نامطمئن، مهاجرین و نژادپرستی روبه گسترش

برگردان ح-بهداد

در شماره گذشته نشریه کار، بخش اول مقاله "اروپا؛ مردم نامطمئن، مهاجرین و نژادپرستی روبه گسترش" نوشته پروسور استان کاتلس از آگاهی خوانندگان عزیز گذشت، آنچه که در زیر می آید بخش آخر همین مطلب است.

* * *

۵- شکاف ژرف میان جنوب و شمال و شرق و غرب به تنهایی نمی تواند زمینه ساز مهاجرت باشد، در واقع مهاجرت ها پیش از هر چیز نمودار وابستگی متقابل و فزاینده کشورهای مهاجرخیز و مهاجر پذیر در چهار چوب یک بازار جهانی به هم پیوسته است. از چندی پیش آشکار شده است که بسیاری از مهاجرین بین المللی به کشورهای فقیر و اقلیت متعصب تعلق ندارند. در واقع لازمه مهاجرت نه تنها مسائل مالی، بلکه پیشینه مینه ای فرهنگی نیز هست. به دیگر سخن پدیده مهاجرت پیوسته نمود آن دسته از دگرگونیهای اجتماعی و فرهنگی است که از اقدام جامعه در بازار جهانی پدید می آید. پاره ای روندها و دگرگونیهای اجتماعی که بر مهاجرت ها منجر شده اند به قرار زیرند:

- تاثیر کشورهای صنعتی از راه استعمارگرایی، تهاجمات نظامی، تجارت و سرمایه گذاری

- تحولات در روستاها مثلا از رهگذر "انقلاب سبز" که فرار کشاورزان متعصب از روستاها منجر می شود

- مهاجرت از روستا به شهر و گسترش بی رویه شهرها

- تنشها و درگیریها به هنگام تشکیل ملت یا کشور جدید که پیوسته بانقض حقوق بشر همراه است

- بهبود و گسترش آموزش عمومی، بدون تامین محل های کار لازم

- تاثیرات فرهنگی کشورهای صنعتی از رهگذر رسانه های گروهی و جهانگردی

- بهبود کیفیت ترابری و ارتباطات

- مهاجرت های کاری

- مهاجرت های دائمی به کشورهای ثروتمند

- ایجاد شبکه های اجتماعی که مهاجرین مقیم کشورهای صنعتی را با زادگاه آنها پیوند می دهد به

افزایش تاثیر فرهنگی کشورهای مهاجرپذیر بر کشورهای مهاجرخیز و مالا تداوم مهاجرت می انجامد.

بدینسان مهاجرت اغلب بر بستر مناسبات چندگانه میان کشورهای مهاجرخیز و مهاجرپذیر صورت می گیرد. برای مثال مهاجرت اهالی کارائیب به انگلستان از روابط استعماری پیشین میان این دو منطقه ناشی می شود. حضور نظامی آمریکا در کره و داد و ستد فرهنگی و اقتصادی میان اهالی این کشور و نیروهای آمریکا آنها را به هنگام مهاجرت متوجه

آمریکا میسازد. نیاز آمریکا به کارگران مکزیک در دوران اجرای "برنامه بارسو" در دهه ۴۰ به

مهاجرت بی وقته اهالی مکزیک به آمریکا انجامیده است. این امر در مورد آلمان و مهاجران ترک نیز مصداق دارد. خلاصه آنکه سرمایه گذاری، تجارت و

مهاجرت شدیداً بایکدیگر در آمیخته اند. گشتار فزاینده سرمایه در بازار اقتصاد معاصر بی چون و چرا

به مهاجرت های گسترده می انجامد. که رشد و توسعه کشورهای فقیر از موج مهاجرت می کاهد. در

کوتاه مدت اما قضیه برعکس است، در واقع در مناطق جدیدی که از رهگذر کمک های خارجی، تجارت و

سرمایه گذاری در اقتصاد جهانی اقدام می شوند، محل های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی لازم برای

مهاجرت نیز پدید می آید. در درازمدت اما رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی راه درست و شاید تنها

راه حل جلوگیری از مهاجرت است. لیکن در آغاز اجرای چنین برنامه های احتمالا مهاجرت افزایش

خواهد یافت و تنها پس از مدتی نسبتا طولانی روبه کاهش خواهند نهاد.

۶- سیاست های روزمره و کوتاه بینانه در برخورد با مهاجرین به سبب تلاش برای رسیدن به اهدافی

متناقض و غیرواقعی بیش از پیش با بحران مواجه می شود. به موازات تداوم و پیچیدگی بیشتر

فرآیند مهاجرت، انتظارات و توقعات از سیاست سا زان کشورهای مهاجرپذیر نیز افزایش

می یابد. در آغاز کشورهای صنعتی تامین نیروی کار و کنترل خارجی ها بوسیله تدابیر و مقررات پلیسی را

هدف قرار داده بودند. از سال ۱۹۷۳ مسئله هجرت بود از محدودیت اجازه ورود و اقامت به خارجیان،

تشویق مهاجرین به بازگشت و نیز فائق شدن بر مشکلات ناشی از ورود اعضای خانواده های

مهاجرین. این دوران مصادف بود با بحران در سیستم تامین اجتماعی و کمبود مسکن. در سال های

مشتاد مسئله سامان بخشی و تعیین جایگاه اجتماعی اقلیت های نوین نیز بر مسائل پیشین

افزوده گشت. در همین حال افزایش مجدد مهاجرت ها نیز بر وخامت اوضاع افزود. ناکارایی

سیاست های مبتنی بر منزوی سازی و یا جذب مهاجرین در جامعه مجددا مسئله کثرت گرایی

فرهنگی و هویت ملی را به صحنه آورد. در واقع پیوند زدن مسائل مربوط به مهاجرین و اقلیت ها با سایر

پرسه های مهم اجتماعی یکی از ویژگیهای چنین دوره هایی است. شناسه سیاست های دول اروپایی

در این هنگام هجرت بود از بی برنامه گی و کوتاه اندیشی. این امر باناتوانی و عدم جسارت

سیاسی در نشان دادن و معرفی مشکلات واقعی برای دهندگان ارتباطاتنگانگی داشت.

در مورد انگلستان و فرانسه طرح ایجاد جامعه ای به لحاظ فرهنگی کثرت گرا با دوران افول این

کشورها به عنوان قدرت های جهانی هم زمان گشت. آلمان نیز اگر خود را به عنوان کشوری مهاجرنشین

اعلام می نمود، معنایی جز فاصله گیری از سیاست های نادرست پیشین در برخورد با پدیده

مهاجرت نمیداشت. دولتمردان کشورهای اروپایی قریبی

می باست علاوه بر اعلام نادرستی سیاست های خود به دگرگونیهای منفی، احتجاب ناپذیر و غیر قابل

برگشت ناشی از این سیاست ها در جامعه، فرهنگ و دستگاه دولتی نیز اعتراف کنند. اما عدم جسارت

کافی مانع از این امر بود. آنها ترجیح دادند که همچنان به سیاست ها و اقدامات متناقض،

کوتاه بینانه و غیرجامع خود ادامه داده و نسبت به مشکلات گسترده و دراز مدتی که از این رهگذر پدید

می آید، بی اعتنا بمانند. ...

۷- نژادپرستی سال های اخیر در اروپا خاستگاهی دوگانه دارد که نخستین آن به مسئله ایدئولوژیها و

روابطو مناسباتی برمی گردد که در دوران تشکیل دول ملی و توسعه طلبی استعمارگرانه آنها پدید آمده

و دیگری به روندهای معاصر در هر صدهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مربوط می شود.

سنتی و نژادپرستی قدمتی به درازای تاریخ بشر دارند، با این همه در تاریخ نویسی کمتر مورد

توجه قرار گرفته اند. نژادپرستی در اروپا از خلال کشمکش خلق ها در دوران تشکیل دولت های ملی، از

بطن ایدئولوژیهای استعمارگرانه، از دل درگیریهای برتری طلبانه میان قدرت های

امپریالیستی قرن نوزدهم و نیز از تصورات و رفتارهای کارگران مهاجر در قبال هصر

صنعت گسترش سر برآورده است. به سخن دقیق تر نژادپرستی گونه های مختلفی دارد که قربانیان آنها

نه تنها یهودیان و سیاهان، بلکه شمار کثیری از اقلیت های داخلی و خارجی بوده اند، برای برخورد

درست با نژادپرستی به تعریفی نیاز است که این گونه گونی را در برگیرد:

نژادپرستی فرآیندی است که در جریان آن گروه های مشخص اجتماعی بر پایه شاخص های

فرهنگی و یا فیزیکی، دیگر گروه های اجتماعی را به عنوان پست و غیر خودی تقسیم بندی کرده و با تکیه

بر قدرت اقتصادی اجتماعی و سیاسی خود می کوشند استثمار منزوی سازی و نابودی این گروه ها را توجیه

کنند.

یک ارزیابی تاریخی از نژادپرستی در این مجال اندک ناشدنی است، لیکن باید تاکید کرد که جوامع

اروپایی قریبی ریشه های فرهنگی عمیقی در نژادپرستی دارند. در این جوامع گرایش نیرومندی

تلاش در تقسیم بندی نژادپرستانه مهاجرین و اقلیت ها دارد. به دیگر سخن تلاش این گرایش

معلوف به آن است که برای تفاوت های فرضی میان خود و اقلیت های اجتماعی ریشه های فرهنگی و

زیست شناسانه (بیولوژیک) قائل شده و آنها را "طبیعی" و "غیر قابل رفع و انهد کنند. ..."

روتن دوباره و تغییر شکل نژادپرستی را نمی توان تنها با معیارهای ایدئولوژیک و اوضاع

بد اقتصادی لحظه توضیح داد. باید فراتر رفته و ارتباط نژادپرستی کنونی را بتحولات ۴۰، ۳۰ سال

اخیر بازیابی و شناسایی کرد. نژادپرستی در واقع تبارز بحران در نوسازی ساختار جوامع قریبی است.

چندی بعد از دوره رونق و امید پس از جنگ جهانی دوم، یعنی از حدود ۱۹۷۰ تجدید ساختار صنعتی

این جوامع آغاز گشت که برای بسیاری از اهالی سرخوردگی و بی اعتمادی را به دنبال داشت. برخی

از جنبه های اصلی بحران یاد شده را می توان به شرح زیر جمع بندی نمود:

- فروپاشی استعمار و افول اقتصادی پاره ای قدرت های سابقا استعمارگر سبب شده که این قدرت ها

از نقش فائق خود در هر صده جهانی محروم شوند.

- بی اطمینانی سیاسی و اقتصادی مردم پاره ای از این کشورها همچون بریتانیا به بحران خودگامی

ملی انجامید.

بازسازی ساختار اقتصاد جهانی سبب شد که پاره ای از کشورهای صنعتی مزیت ها و امتیازات

پیشین خود را از دست بدهند.

- هم زمان با افول خورشید پاره ای از کشورهای صنعتی قدیم دوران اشتغال کامل نیز در آنها به

سرآمد. بحران مسکن و بحران سیستم تامین اجتماعی نیز مزید بر علت شد.

- تطب بندی شدید احتمالی ناشی از این وضعیت نقش و موقعیت شکل های صنفی و کارگری را نیز زیر

سوال برد.

چنین فرآیند نامطلوبی باشکل گیری برخی از اقلیت های قومی در اروپای قریبی هم زمان گشت.

همانگونه که گفته شد مهاجرت گروهی و تنوع فزاینده فرهنگی در جوامع اروپایی را باید نشانه و

نحوه تحولات و دگرگونیهای بین المللی به شمار آورد. از یکسو نوسازی و ورود صنعت به کشورهای

چنان سوم به جایابی اهالی انجامیده و از سوی دیگر روندهای موجود در کشورهای فراصفتی و

پسامردن اروپا به عدم اطمینان همومی و بحران های اجتماعی منجر شده که به صورت

گرایش های نژادپرستانه بر علیه اقلیت ها و مهاجرین بروز می یابد.

۸- تشدید فعالیت گروه های نژادپرست را می توان با خلا سیاسی و فرهنگی ناشی از نا کار آمدن دولت های

ملی، تجدید سازمان نیروی کار و ضعف جنبش کارگری توضیح داد و وانمود.

بر راستی چرا ایدئولوژی واپسگر ایانه راست های افراطی امروز از چنین جاذبه ای برخوردار شده

است؟ بی اعتمادی همومی که قلا از آن یاد شده، به این پرسش تنها قسمی می تواند پاسخ دهد. بخش دیگر پاسخ

را باید در ناتوانی و ضعف جنبش کارگری و فقدان چشم انداز برای پیشرفت های اجتماعی جستجو کرد.

نابودین شدن تدریجی طبقه کارگر سنتی موجب تضعیف اتحادیه های کارگری شده است. تشکل های

سنتی طبقه کارگر دیگر قادر به حفظ محل های کار، جلوگیری از برچیده شدن کامل برخی از شاخه های

تولیدی و ممانعت از حذف تامینات اجتماعی نیستند. فروپاشی "سوسیالیسم واقعا موجود" نیز

چشم انداز های یک جامعه جایگزین را نقش بر آب ساخت. بسیاری از انسان ها هم اینک با وخیم تر شدن

بیشتر وضع زندگی خود دست به گریبانند. دیگر از تضمین اشتغال اثری در میان نیست و بخت بیکاری

همه را می آزد. ترس از مورد حمله قرار گرفتن در خیابان پیوسته فزونی می یابد و احساس تعاون و

همکاری روبه کاهش می نهد. فرهنگ جنبش کارگری که هم از سنن مقاومت در برابر سرمایه داری و هم از

باور به نوسازی و پیشرفت سزشار بود نیز نیروی بسیجگر خود را از دست می دهد.

راست افراطی هم اینک برای بسیج و نیرو گیری شیوه های دوگانه ای را به کار می گیرد باز یکسو

گناه و وضعیت نابهنگار کنونی را به گردن مهاجرین می اندازد و چنین تبلیغ می کند که گویا با حذف

مهاجرین جامعه سعادت مند افسانه ای پدید خواهد آمد، و از دیگر سو می کوشد خلا سیاسی ناشی از کم

اعتبار شدن جنبش کارگری را پر کند. از آنجایی که بسیج مردم بر اساس منافع طبقاتی به تدریج نا کارا تر

شده است، راست می کوشد که نوعی ایدئولوژی هموم خلقی را محور بسیج خود قرار دهد. اما این

ایدئولوژی نمی تواند بر برابری منافع مادی مردم تکیه کند، لذا می کوشد احساس همکاری و همبستگی در

میان اهالی را تنها با آوازه گیری در مورد لزوم طرد و نفی اقلیت ها دامن زند. به دیگر سخن راست افراطی

برای بسیج مردم بیش از هر چیز به تبلیغ نژادپرستی می پردازد.

این البته بدان معنا نیست که اکثریت اهالی کشورهای اروپایی از نژادگرایی حمایت می کنند.

همچنین خطاست اگر همه کسانی را که گرایش

ضعیفی به نژادگرایی دارند، جز نیروهای راست افراطی به حساب آوریم. در واقع این بحران ناشی از

دگرگونیهای جامعه پسامردن است که گرایش به نژادپرستی را در میان بخش هایی از اهالی دامن زده

است، امری که باتوجه به فرهنگ دیرین نژادپرستی در این جوامع می تواند درک و تبیین شود.

۹- کشورهای اروپایی قریبی به سیاست نوینی در زمینه مهاجرت نیاز مندند که در آن هم روندهای

اجتماعی کشورهای صنعتی، هم وضعیت کشورهای در حال توسعه و هم همبستگی و ارتباط متقابل

بین المللی ملحوظ شده باشد.

روندهای دهه های اخیر همچنین آن است که موج مهاجرت را نه می توان با دست یازی به تدابیر و

اقدامات پلیسی و نه با سنت و سخت بستن مرزها کاهش داد. چنین محدودیت ها و سختگیرانهایی تنها

بر میزان غیرقانونی می افزاید، که این نیز به نوبه خود مشکلات اجتماعی را تشدید می کند. کشورهای

اروپای قریبی و نیز همه سازمان های فراملی همچون جامعه مشترک اروپا و... باید ابعاد و میزان

مهاجرت را تنظیم کنند. تعیین ظرفیت سالانه هر کشور برای پذیرش مهاجر که در آمریکا، کانادا و

استرالیا رایج است، می تواند شیوه مناسبی برای تنظیم میزان پذیرش مهاجرین اقتصادی با

دانشجویان و کارآموزان، پناهندگان و وابستگان مهاجرین باشد.

از آنجاییکه مهاجرت های گوناگون پیوند تنگاتنگی با یکدیگر دارند، درست آن است که همه

مهاجران از حق اقامت دائم برخوردار شوند. اقامت های محدود و زمان دار باید تنها دانشجویان و

کارآموزانی را در برگیرد که با استفاده از بورس های تحصیلی در خارج به تحصیل می پردازند. مقررات

ورود به کشورهای اروپایی نباید بر اساس زادگاه، وابستگی قومی، جنسیت و یا باورهای مذهبی تعیین

و تنظیم شود...

۱۰- شکل گیری و رشد اقلیت های جدید قومی با فرهنگ، هویت و نهادهای اجتماعی خاص خود

فرآیندی برگشت ناپذیر است که تنظیم نوین سیاست های اجتماعی، حل مسئله تبعیت و نیز

تعریف و تبیین هویت ملی در کشورهای اروپایی را ناگزیر می سازد.

نه تنها خود مهاجرت، بلکه واکنش گروه ها و اقشار مختلف اجتماعی در قبال آن و اعمال تبعیض ها و

برخوردهای نژادپرستانه همل اصلی شکل گیری و توام اقلیت های قومی با فرهنگ، هویت و نهادهای

خاص خود بوده است. تشکیل این اقلیت های قومی توسط مهاجرین در واقع وسیله ای بوده است برای

حمایت از خود و تضمین ادامه حیات در محیطی فریب و اقلب خصمانه.

این بدان معناست که لغو مقررات نژادپرستانه و کاهش برخوردهای خواردارنده لزوما به جذب و

آمیزش سریع اقلیت ها در جامعه میزبان نخواهد انجامید. این اقلیت ها پس از آن نیز ویژگیهای

فرهنگی و سیاسی خود را در ابعاد چشمگیری پاس خواهند داشت. به دیگر سخن ساختارهای جا افتاده

اجتماعی یکسبه دستخوش دگرگونی نمی شود. بدینسان در آینده قابل پیش بینی کشورهای قریبی هیچ

راهی جز تبدیل شدن به جامعه ای کثرت گرا و چند فرهنگی نخواهند داشت. تنوع قومی تثبیت شده

کنونی لزوم دستیابی به سیاست های اجتماعی جدید، تبیین مقوله تبعیت و هویت ملی را در دستور کار

قرار داده است. برای تعیین این سیاست ها می توان از پاره ای از تجارب و رهیافت های کشورهای سنا

مهاجرپذیر همچون کانادا و استرالیا بهره گرفت. برخی از تجارب کشورهای مهاجرپذیر اروپایی

همچون هلند و... نیز شاید در این زمینه رهگشا باشد.

نظام آموزش عالی در سر اشیب سقوط

دانشجو و ازایه مدارک تخصصی کرده اند. عملکرد این دانشگاه خود یکی از همل عده افت کیفیت علمی فارغ التحصیلان دانشگاهها در ایران است. عملکرد چندساله دانشگاه آزاد نشان داده است که فعالیت بخش خصوصی در این عرصه تنها زمانی میتواند مفید باشد و به گشایش تنگناهای موجود یاری رساند که مورد نظارت دقیق دولت و وزارتخانه های علمی کشور باشد و بعنوان بخش کجکی دانشگاه های دولتی که باید بطور مداوم گسترش یابند - در نظر گرفته شود. عملکرد ۱۳ ساله جمهوری اسلامی، نظام دانشگاهی کشور را در بحرانی همه سویه فرو برده است. اداجه این بحران هر تلاش در جهت توسعه کشور را دچار مشکلات جدی میکند. طراحی یک نظام دانشگاهی کار آمد، کاری دشوار، درازمدت و کارشناسانه است، اما چنین امکانی تنها آن زمان موفق خواهد شد که یک تحول سیاسی بتواند بر سیطره روحانیون بر دانشگاه های کشور نقطه پایان گذارد.

ادامه از صفحه ۹

سودجویی بدل کرده اند و شهریه های کلانی از دانشجویان می گیرند. اما امکانات این دانشگاه نیز هلیتر هم دریافت شهریه های سنگین بهیچوجه پاسخگوی نیازهای آموزش دانشجویان نیست. کیفیت تحصیلی آن در سطح پایینی قرار دارد. دهها شعبه این دانشگاه بدون برخورداری از کادر علمی و تجهیزات ضرور اقدام به پذیرش



۱۶ آذر، روز دانشجویگرمی باد!

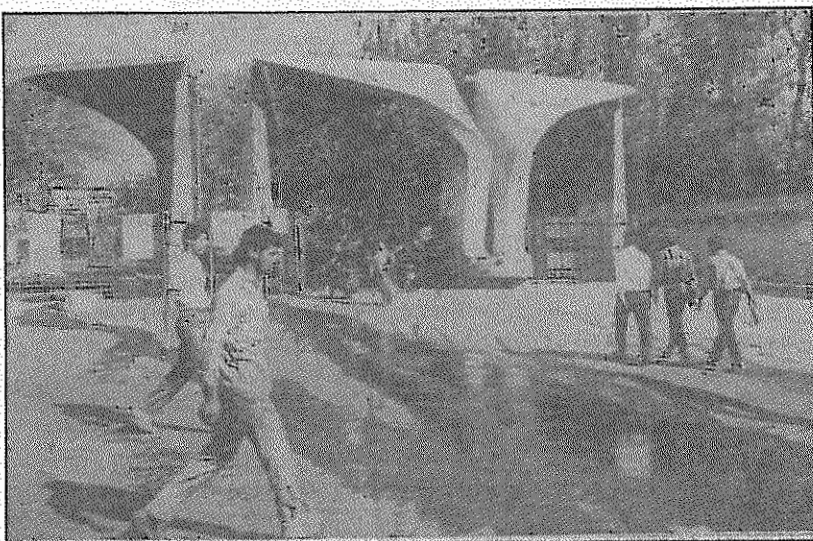
ترانه کوچک

تو کجایی؟
در گستره بی مرز این جهان
تو کجایی؟
من در دور دست ترین جای جهان ایستاده‌ام
کنارتو.

تو کجایی؟
در گستره ناپاک این جهان
تو کجایی؟
من در پاک ترین مقام جهان ایستاده‌ام
بر سبزه شور این رود بزرگ که می‌سراید
برای تو.

دی ۵۷
احمدشاملو

از کتاب ترانه‌های کوچک قربت



۱۶ آذر ماه در ایران روز دانشجوی است. هر چند رژیم‌های استبدادی شاه و خمینی همواره از شناسایی روز دانشجوی خودداری کرده و آن را نادیده گرفته‌اند، اما دانشجویان و همه نیروهای مترقی کشور، همواره این روز را که قبل از هر چیز یادآور مبارزات درخشان، جانفشانی‌ها و فداکاریهای دانشجویان علیه استبداد و در راه آزادی بوده است، گرمی داشته‌اند. در سال‌های دورتر که جنبش دانشجویان نیروی سیاسی بزرگی در کشور به شمار می‌آمد با اعتراضات و تظاهرات دلبرانه و در سال‌های اخیر که حاکمان مستبد اسلامی دانشگاه‌های کشور را به قیمت سرکوب‌های خونین خاموش ساخته‌اند، در محافل کوچک و در قلب‌های دانشجویان و آدایخواهان یاد ۱۶ آذر زنده نگاه داشته شده است.

نشریه کار نیز پاینده به این سنت مبارزاتی، ۱۶ آذر را گرمی می‌دارد و خاطره مبارزات دلبرانه دانشجویان و صدها شهید دانشگاه را پاس می‌دارد.

۱۶ آذر سمبل پویایی جنبش دانشجویی

۱۶ آذر در طول چند دهه اخیر در کشور ما سمبل سرزنده جنبشی است که هر چه پیکار علیه استبداد و ستم، بی‌عدالتی و سلطه، بیگانگان را در سالهای تاریک اختناق برانداخته نگه‌داشته، گرچه نام‌گذاری این روز بسال ۱۳۳۲ بر میگردد ولی قدمت جنبش دانشجویی در کشور مابسی پیش‌تر از آنست. دکتر تقی‌ارانی اولین محافل دانشجویی را در دوره رضاخان پی‌ریزی کرد. و همین محافل بودند که نخستین اعتراضات دانشجویی را سازماندهی کردند.

جنبش دانشجویی از سال ۱۳۳۵ باینسو همواره در مبارزات ضد استبدادی و دموکراتیک ایران حضور فعال داشت. دانشجویان در جریان نهضت ملی شدن صنعت نفت به رهبری دکتر مصدق و در تیمار ۳۰ تیر در سال ۱۳۳۵ مشارکت فعال داشتند. تنها ۴ ماه از کودتای ۲۸ مردادماه گذشته بود که دانشجویان علیه ورود نیکسون رئیس‌جمهور وقت آمریکا با اعتراض برخاستند. مأمورین رژیم شاه آنها را به گلوله بستند و سه تن از دانشجویان دانشکده فنی نام‌های احمد قندچی، مصطفی بزرگ‌نیا و شریعت رضوی به شهادت رساندند. دو تن از آنان توده‌ای و دیگری عضو جبهه ملی بود. روز شهادت آنان یعنی ۱۶ آذر نام‌روز دانشجویان نام گرفت.

اعتراض دانشجویان پس از آن رویداد نیز ادامه یافت. اعتراض نسبت به تحمیل دکتر اقبال ریاست دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۵، تظاهرات گسترده برای حمایت از مبارزات ملی و ضد استعماری مردم مصر در جریان ملی کردن کانال سوئز و تهاجم ارتش‌های غربی و اسرائیل به این کشور در سال ۱۳۳۶، برپایی تظاهرات نسبت به سفر جلگه انگلستان بایران در سال ۱۳۳۹ و حمایت فعال از مردم در جریان زلزله وسیل در اوایل دهه ۴۰.

از سال ۴۶ بعد جنبش اعتراضی دانشجویان وسعت بیشتری پیدا کرد. اعتراضات وسیع به دریافت شهریه در اوایل سال ۴۶، تظاهرات به مناسبت مرگ تختی، شرکت وسیع دانشجویان در اعتراض علیه افزایش قیمت بلیط اتوبوس‌ها توسط شرکت واحد در سال ۴۸.

از سال ۵۰ بعد بار شد جنبش چریکی، جنبش دانشجویی وارد مرحله جدیدی گردید و تا انقلاب بهمن بی‌وقفه ادامه یافت.

نقش جنبش دانشجویی جنبش دانشجویی در مبارزات دموکراتیک و ضد استبدادی مردم

میهن ما جایگاه برجسته‌ای داشت و در دهه ۳۰ و ۴۰ تنها جریان زنده پویا و فعال در مبارزه علیه رژیم شاه با سرکوب توانسته بود اعتراضات مردم را خوابانده و سازمانهای سیاسی را سرکوب کند، جنبش دانشجویی تنها جریان اعتراضی بود که موجودیت داشت و با تحمل فشارها و دستگیری‌ها از حرکت باز نمی‌ایستاد.

در دهه ۴۰ و بویژه در دهه ۵۰ زندانهای رژیم از دانشجویان انباشته بود. در ترکیب اجتماعی زندانیان سیاسی دانشجویان بیشترین سهم را داشتند.

گرایش و افکار چپ در بین دانشجویان قوی بود و میتوان گفت که یکی از خاستگاههای جریان فدائیان بطور مشخص جنبش دانشجویی بود. فدائیان هم‌دراز باطن حرکات دانشجویان ریشه و جان گرفته بودند و بیشترین نیروی خود را از دانشجویان کسب میکردند.

پویایی جنبش دانشجویی بر جنبش دموکراتیک و ضد استبدادی تأثیر می‌گذاشت و آنرا تسریع می‌بخشید. این جنبش یک نسل عناصر سیاسی را در دامن خود پرورده که امروز اعضاء، کادرها و بخشی از رهبران سازمان‌های سیاسی کشور را تشکیل میدهند.

جنبش دانشجویی با وجود حرکات مهظیم توده‌ای، در سال ۵۸ نیز نقش بارزی در روندهای سیاسی کشور داشت. با اعتبار آن، دانشگاهها بیکی از پر جدجاده ترین سنگرهای برخورد آراء و عقاید تبدیل شده بود، تشکل‌های دانشجویی فعالیت وسیعی داشتند و پیشوانه جدی سازمانهای سیاسی بحساب می‌آمدند. از جمله آنها دانشجویان پیشگام بود که در سازماندهی دانشجویان و در راه انداختن حرکات اعتراضی نقش زیادی داشتند.

سرکوب جنبش دانشجویی و تصفیه دانشگاهها

سران حکومت اسلامی که به نقش و اهمیت جنبش دانشجویی و دانشگاهها در حیات سیاسی و اجتماعی جامعه واقف بودند و نمی‌توانستند شاهد پویایی دانشجویان و حرکات اعتراضی آنها باشند، تصمیم گرفتند که در دانشگاهها راه‌بندند و این کانون پر طلیش جامعه را خاموش سازند. گردانندگان حکومت دانشگاهها را از آن خود نمی‌دانستند و با آنها بیگانه بودند. آنها سه سال دانشگاهها را بستند.

سه سال تعطیلی دانشگاهها با آنها فرصت داد تا برنامه مورد نظر از پای در می‌آیند و مجبور به

نظام آموزش عالی در سر اشیب سقوط

حدود ۵ هزار محقق و دانشمند وجود دارد. بخش مهمی از ظرفیتهای ناچیز دانشگاهی کشور به نهادهای مختلف وابسته به رژیم اختصاص داده شده است. عمده‌ترین سهمیه‌ها عبارتند از: سهمیه خانواده شهدا، سهمیه شاهد، سهمیه رزمندگان، سهمیه نهضت سوادآموزی، سهمیه مشاوران، سهمیه جفاگران، این سهمیه‌ها هر ساله ۴۰ درصد ظرفیت دانشگاههای کشور را می‌بلعند. تلی‌رقم اعتراضات متعدد نسبت به این بی‌عدالتی آشکار، مجلس شورای اسلامی این سهمیه ویژه را در راه اخیر بصورت قانون درآورد و آنرا به دانشگاه آزاد نیز گسترش داد.

انقلاب فرهنگی سیستم علمی دانشگاهها را، که قبل از آن نیز بسیار متعبد مانده و ناکارا بود، متلاشی کرد و باعث افت فاجعه‌بار سطح علمی دانشگاهها شد. روحانیت انقلاب فرهنگی را با هدف و شعار پیوند دانشگاهها و ادامه در صفحه ۹

شرکت کردند و از این عده تنها قریب به یک دهم آنان به دانشگاهها راه یافتند. مطابق داده‌های سرشماری سال ۶۵ تنها ۷/۵ درصد جوانان ۲۰-۲۴ ساله و با احتساب دانشجویان دانشگاه آزاد ۱۴ درصد آنها موفق به تحصیلات دانشگاهی می‌شوند. بنابه اظهار نظر کارشناسان نظام آموزشی، از هر ۱۰۰ نفری که مدرسه را شروع می‌کنند فقط ۲ تا ۴ نفر می‌توانند به دانشگاه راه یابند. ایران از نظر تعداد دانشجو نسبت به جمعیت از مقامی بسیار پایین در جهان برخوردار است. تعداد دانشجویانی که می‌توانند تحصیلات خود را در مقاطع بالاتر از لیسانس و فوق لیسانس ادامه دهند، با سرعت بیشتری محدود می‌شود. از هر ۱۰۰ دانشجو، بین ۴ تا ۹ نفر تحصیلات خود را در سطوح کارشناسی ادامه می‌دهند. در حالیکه تعداد محققین و دانشمندان در کشورهای پیشرفته جهان بیش از ۲۳۰۰ نفر در یک میلیون است، این رقم در ایران بهر جهت به رقم ۱۰۰ میرسد. به عبارت دیگر در ایران تنها

و بیان نظر، اختصاص اعتبارات مالی کافی، فراموش ساختن امکانات و وسایل تحقیقات و پژوهشهای علمی، تلاش در جهت تبادل تجربه و اطلاعات با دانشگاههای سایر کشورها، و ایجاد شرایط مناسب تحصیل و تدریس برای دانشجویان و استادان از جمله عواملی است که در بهبود سطح و کیفیت علمی آموزشهای دانشگاهی مؤثر است.

* * *

نظام آموزش عالی در ایران متأسفانه از هر نظر در سر اشیب سقوط قرار دارد. این نظام قادر به تأمین آموزشها و تخصصهای ضروری برای اکثریت بزرگ جوانان کشور نیست و روز بروز نیز بیشتر از قافله علم در جهان عقب می‌ماند.

تلی‌رقم آنکه قریب به ۷۰ سال از تاسیس نخستین دانشگاه در ایران می‌گذرد، ورود به دانشگاه برای اکثریت بزرگ جوانان ایران به صورت یک رویای دست نیافتنی باقی مانده است. امسال نزدیک به یک میلیون نفر در کنکور سراسری

آموزش دانشگاهی به عنوان هسته اصلی نظام علمی و فنی، پیوسته نقش مهم‌تری در توسعه اقتصادی و علمی کشورهای جهان پیدا می‌کند. تقریباً در تمامی کشورهای پیشرفته، دانشگاهها بعنوان مراکز فعالیتهای علمی، پیوندهای کاملاً تنگاتنگی با مراکز اقتصادی - صنعتی - سیاسی و اجتماعی و همه مراکز تحقیقاتی پیدا کرده‌اند. و تحقیقات و یافته‌های خود را در اختیار آنان قرار میدهند. تربیت کادرهای متخصص و ملی، تقویت بنیه علمی کشورها، فعالیتهای گسترده تحقیقاتی بمنظور کاربرد آنها در صنعت و اقتصاد، از عمده‌ترین اهداف نظام دانشگاهی است. موفقیت در دستیابی به اهداف فوق با شاخصهای کمی و کیفی متفاوتی سنجیده می‌شود. از نظر کمی توسعه سیستم دانشگاهی به معنای برخورداری گسترده مردم، به ویژه جوانان و هم چنین مدیران و رهبران موسسات اقتصادی - سیاسی و اجتماعی از آموزشهای دانشگاهی در سطوح مختلف است. امکان آزادانه بحث

مشکلات زندگی دانشجویی در ایران

ملاحظه در کلاسهای درس، فعالیت فوق برنامه و فرهنگی در دانشگاهها به شدت محدود شده و تحت کنترل شدید انجمن‌های اسلامی قرار دارد. دانشجویان حق تشکل و دفاع از حقوق صنفی و سیاسی خود را ندارند.

زندگی دانشجویی در ایران بهیچ‌روی در شان دانشجویان نیست و مشکلات چنین زندگی خود از عوامل عمده‌ای است که موجب متعبد شدن دانشجویان صرف از انرژی و وقت دانشجویان صرف کسب علم شود. تلی‌رقم جو استبدادی موجود در دانشگاه، به ویژه در یکساله اخیر اعتراضات در واکنش نسبت به فشارهای متعددی که دانشجویان با آن مواجهاند صورت گرفته است و هر چند نامحدود و پراکنده و کم‌اثر بوده است، اما نشان می‌دهد که آرامش و سکوت حاکم بر دانشگاهها که به‌زور خفتان و سرکوبی بی‌وقفه حاصل آمده دوام ندارد و بتدریج جای خود را به زمره‌های اعتراضی میدهد.

پیدا نمی‌شود یا چنان گران است که کمتر کسی از عهده خرید آن برمیآید. کتابخانه‌های دانشجویی که باید بزرگترین منبع تأمین کننده منابع علمی مورد نیاز دانشجویان باشند، غالباً قادر به برآورده ساختن این نیازها نیستند و خود با مشکل کمبود اعتبار مواجه‌اند. کمبود استاد، آزمایشگاه، وسایل تحقیق، مشکلات انتخاب واحد، ناروشن بودن وضعیت تحصیلی بسیاری از دانشجویان و بالاخره تهیه لوازم تحریر از جمله دیگر مشکلات است.

محیط دانشگاه هم چنان و به شدت برای دانشجویان ناامن است. حرکات آنها زیر نگاههای کنجکاو خیرچینان رژیم قرار دارد. دانشجویان نه از آزادی رفتار و کردار برخوردارند، نه از آزادی ابراز نظر فارغ از ترس و

انصراف از تحصیل می‌شوند. آن دسته از دانشجویانی که شانس سکونت در خوابگاههای دانشجویی را می‌یابند نیز با مشکلات دیگری که انجمن‌های اسلامی برای پذیرش یک زندگی با معیارها و قوانین اسلامی برای آنها ایجاد می‌کنند، مواجه‌اند. این شرایط بویژه برای دختران دانشجوی طاققت فرساست. تهیه غذا و سلف سرویس از مشکلات مهم دیگر دانشجویان است. کیفیت و کمیت فوق‌العاده ناچیز غذا و قیمت‌های گران آن تاکنون بارها مورد اعتراض دانشجویان قرار گرفته است. این مشکل به ویژه برای دانشجویان شهرستانی که در خوابگاهها نیز سکونت ندارند، شدیدتر است.

کمبود کتاب و گزافی آن مهمترین مشکل آموزش دانشجویان است کتابهای ضروری

فیور از سد هولناک کنکور برای داوطلبان ورود به دانشگاه تنها گام گذاشتن در آغاز راهی است که پیمودن هر گام آن مستلزم دست و پنجه نرم کردن با مشکلات بیشمار و لاینحل، سردرگمی‌ها، سرخوردگی‌ها، فشارهای روحی و مادی طاقت فرساست.

شرایط ادامه تحصیل برای دانشجویان در ایران روز بروز دشوارتر می‌شود. دشواری‌هایی که از همان روز اول بخش عمده انرژی و فکر اکثریت دانشجویان را به خود مشغول می‌کند. نبود مسکن و خوابگاه برای بسیاری از دانشجویان سد عبورناپذیرتر از سد کنکور است. دانشگاهها به علت نداشتن بودجه نمی‌توانند مسکن و خوابگاه حتی بخش کوچکی از دانشجویان خود را فراهم کنند. پیدا کردن اتاقی برای سکونت، نه آسان است و نه با درآمدی دانشجویی سازگار است بسیاری به اتاقهای محقر، شلوغ و نامناسب مسافرخانه‌ها پناه می‌برند و گروهی نیز در برابر قول مسکن از پای در می‌آیند و مجبور به

ادامه در صفحه ۹

۶ آذر سمبل پویایی جنبش دانشجویی

ادامه از صفحه ۸

خود را تدوین و پیاده کنند. هدف آنها تسخیر دانشگاهها بود تا همانند سایر نهادها و ارگانها، آنها را در قدرت خود بگیرند. برای رسیدن باین منظور برنامه‌های زیادی تدارک دیده شد. رژیم اسلامی به تصفیه وسیع و بی سابقه‌ای در دانشگاهها دست زد و نیروهای زیادی را باین کار اختصاص داد. برای تک تک دانشجویان و استادان پرونده سیاسی تشکیل دادند. آنها دانشجویان دگراندیش را بخاطر اعتقادشان بیرون ریختند. این تصفیه گروه وسیعی از استادان را نیز شامل شده پس از بازگشایی دانشگاهها، روش‌های فوق العاده سختی در مورد گزینش دانشجو بکار برده شد.

عظیمی را در بین دانشجویان مسلمان پدید آورد و بر روندهای بعدی تأثیرات جدی گذاشت. حکومت اسلامی بدون سرکوب و تصفیه و بهره‌گیری از بازوی دفتر تحکیم وحدت قادر نبود به چنین موفقیت‌هایی در دانشگاه‌ها دست یابد.

جنبش دانشجویی در کشور ما پرورش دهنده روشنفکر معترض و متعهد، کادرهای سازمان‌های سیاسی و نیروی پتانسیل جنبش فرهنگی سیاسی در جامعه بود و در رشد جامعه مدنی، مبارزه با دیکتاتوری و در ارتقاء آگاهی جامعه نقش داشت. رژیم اسلامی با تسخیر دانشگاه‌ها یکی از منابع تغذیه جنبش آزادیخواهان و دمکراتیک بویژه جنبش چپ ایران را تا مدت‌زمانی خشکاند.

گسست در جنبش دانشجویی خواه ناخواه مانع انتقال تجارب و آموخته‌های نسل قبل به نسل جدید خواهد شد و جریان‌های نوپا از اندوخته گرانبار جنبش دانشجویی چندان بهره نخواهند گرفت. **وضع دانشگاه‌ها بعد از سال ۶۲** با اقدامات حکومت در دانشگاهها، تا حدی ترکیب دانشجویان و استادان و بیش از آن فضای دانشگاه بسود جمهوری اسلامی تغییر یافت. از سال ۶۲ به بعد در اکثر دانشگاهها جریان‌های وابسته به دفتر تحکیم وحدت (انجمن اسلامی‌ها) نیروی پیشبرنده فعال بودند. هر حرکت و اقدامی تحت نظارت و کنترل آنها انجام می‌گرفت. آنها اجازه فعالیت مستقل را به دانشجویان نمی‌دادند و حتی در مواردی مانع طرح خواسته‌های صنفی دانشجویان می‌شدند. ولی مشکلات عدیده دانشجویان از جمله خوابگاه و سلف سرویس موجب گردید که دانشجویان به اعتراض برخیزند و حتی در مواردی با پاسداران درگیر شوند. در چند سال گذشته ما با موارد متعددی از اعتراضات دانشجویی به خاطر مسائل صنفی مواجه بودیم.

دفتر تحکیم وحدت طرفدار جناح تندرو در حکومت بود. از سال ۶۸ که تندروها موضع مسلط خود را در حکومت از دست دادند، مناسبات بین انجمن اسلامی‌ها و جناح حاکم تغییر کرد. دفتر تحکیم وحدت همانند جناح تندرو بخشی از سیاست‌های دولت رفسنجانی را قبول نداشت و بالنتیجه به مقابله با اقدامات آن در دانشگاهها بر میخواست. از آن سال به بعد انجمن اسلامی در راه انداختن اعتراضات نقش داشتند. اعتراضات آنها اکثر متوجه این بود که چرا افراد لیبرال در راس دانشگاهها قرار می‌گیرند، چرا به نظرات آنها در پیشبرد سیاستها توجه نمی‌شود. قرار گرفتن دفتر تحکیم وحدت در اپوزیسیون ائتلاف حاکم، به شدت گیری اعتراضات دانشجویی کمک کرد. بهمین خاطر در سه سال اخیر حرکات اعتراضی در بین

بعد از بازگشایی دانشگاهها تشکلهای وابسته به حکومت یکه تاز میدان شدند. آنها فعالانه در تصفیه دانشجویان دگراندیش، کنترل دانشگاهها، اعمال مقررات اسلامی نقش داشتند. از سال ۶۲ به بعد بیکباره جو دانشگاهها تغییر کرد و آن محیط نسبتاً آزاد سابق به محیط ترهیب و خفقان تبدیل شد. چشم‌های زیادی در سراسر روز دانشجویان را می‌پایند که مبدا آنها دست از پا خلا کنند. این امر موجب شد دانشجویانی که از موج تصفیه مصون مانده بودند، راه سکوت و خاموشی را برگزینند تا هر چه زودتر از این محیط خفقان رهایی یابند.

در گذشته رژیم شاه برای سرکوب جنبش دانشجویی، پلیس را از بیرون راهی دانشگاهها می‌کرد. ولی رژیم اسلامی تا سالها نیاز به چنین اقدامی نداشت. چرا که به بازوهای قوی سرکوب یعنی انجمن‌های اسلامی و جهاد دانشگاهی مجبور بود و جو سرکوب نیز اجازه حرکات اعتراضی را به دانشجویان نمی‌داد. این وضع موجب شد انجمن اسلامی‌ها همه امور دانشجویی را بدست گیرند و فعال مایشاء شوند. در حالیکه دیگران مجبور بودند که موضع سکوت و انفعال در پیش گیرند.

بدین ترتیب دانشگاهها از کانون مبارزه علیه دیکتاتوری و از سنگر دفاع از آزادی و تجدید درآمد و به ضمیمه حکومت اسلامی تبدیل شد و جنبش دانشجویی از درون زایی و خودپویی ایستاد و پویایی خود را از دست داد و جنبش دمکراتیک ایران از پشتوانه عظیم خود بی‌بهره شد. حکومت اسلامی، ناکامی رژیم شاه در از کار انداختن این قلب پر طپش مبارزات مردم را جبران کرد. موفقیت او محصول سرکوب جنبش دانشجویی و تصفیه شدید دانشجویان دگراندیش بود. در تثبیت وضع دانشگاهها بسود رژیم حاکم از سال ۶۲ به بعد، نیروی برخاسته از جریان اشغال سفارت امریکا در سال ۵۸، نقش موثر داشت. این حرکت پتانسیل

دانشجویان گسترش یافته است. ولی این حرکات هنوز در سیطره انجمن‌های اسلامی قرار دارد. آنها با حرکات مستقل دانشجویان همکاری نمی‌کنند و می‌خواهند ابتکار عمل را در دست داشته باشند و کنترل خود را بر حرکات اعتراضی دانشجویان حفظ کنند.

ائتلاف حاکم در این چند سال بخاطر تسلط نداشتن بر تشکلهای دانشجویی از دانشگاهها دل خوشی نداشت. جناح رسالت که در دانشگاهها تافله را باخته بود، کوشید تشکلهای از طرفداران خود در دانشگاهها سرهم بندی کند و در مقابل دفتر تحکیم وحدت بایستد. رفسنجانی نیز از تشکلهای حمایت عمل آورد. دانشگاهها در این چند سال شاهد انحصار طلبی دفتر تحکیم وحدت و درگیری آن با جامعه انجمن‌های اسلامی دانشجویان بود.

از سال ۶۲ به بعد با وجود حرکات اعتراضی، جریان مستقل دانشجویی که ادامه دهنده آن جنبش اعتراضی باشد، شکل نگرفته است. می‌توان گفت که جنبش دانشجویی هنوز دوره رکود و رخوت خود را بپایان نبرده است. راه یافتن به دانشگاهها با توجه به سهمیه ۴۰ درصدی نهادها به امر دشواری تبدیل شده است. بهمین دلیل اکثر دانشجویان غیر مذهبی حاضر نیستند دانشگاه را از دست بدهند و هر وقت لازم می‌بینند با تاییدهای ضمنی جای خود را محکم می‌کنند. این مسئله در تشدید فضای محافظه‌کاری در بین دانشجویان موثر افتاده است.

امروز جای جنبش دانشجویی، در صحنه سیاسی کشور خالی است. با وجود اینکه در دوره اخیر میزان دانشجویان بطور قابل توجهی رو به فزونی گذاشته است اما تأثیر سیاسی و اجتماعی آنها به هیچ وجه با میزان گسترش کمی آن قابل قیاس نیست. اکنون حرکت دانشجویی نه از درون می‌جوشد و نه از جریان‌های اپوزیسیون تأثیر می‌پذیرد، و هیچ جریان سیاسی قوی در کشور که بر دیدگاهها و حرکت دانشجویان تأثیر بگذارد، در آن نیروی محرکه‌ای را پدید آورد، هنوز وجود ندارد. تحولات بین‌المللی و فروپاشی "اردوگاه سوسیالیسم" نیز در فقدان هدفندی دانشجویان موثر افتاده است.

با انحلال طی سال‌های اخیر جو تجرد در دانشگاهها شکسته است و فضا برای پذیرش فرهنگ و اندیشه‌های نو مساعدتر گشته است. اکنون جریان‌های فکری و پیکار اندیشه‌ها در بین دانشجویان جا باز کرده و برخورد آنها با ترس و متعطف‌تر شده است. بنظر می‌رسد که ما در سال‌های آینده شاهد نوزایی جنبش دانشجویی در اشکال نوین خواهیم بود.

دانشگاهها به روی حزب‌الله بی‌خبراز علم و فرهنگ بود. این اقدامات دانشگاهها را در تأمین نیازهای گوناگون مراکز صنعتی، فرهنگی و اجتماعی کشور ناتوان تر ساخت و پروسه تأمین کادرهای متخصص را مختل کرد. کمبود و فقدان چنین کادرهایی یکی از بزرگترین مشکلاتی است که اکنون به عنوان معضله جدی در برابر هر برنامه توسعه اقتصادی-اجتماعی قرار دارد.

نظام آموزش عالی در سر اشپ سقو ط

ادامه از صفحه ۸

از پیامدهای این "انقلاب" شوم، اخراج صدها استاد، محقق و پژوهشگر توانا و پرسابقه، سپردن امور دانشگاهها به روحانیون، مخدوش کردن محتوای علمی دروس به منظور منطبق ساختن آنها با اعتقادات مذهبی، اخراج هزاران دانشجوی متعهد و گشودن درهای

حوزه‌های علمیه طراحی و آغاز کرد. سلطه جبره‌های دراج جعل و خرافات بر دانشگاهها به علت خصلت متضاد این دو مرکز، هیچ‌گاه آنگونه که روحانیت آرزو داشت عملی نشد اما ضربات فاجعه‌باری بر پیکر نحیف نظام دانشگاهی وارد آورد.

اول دسامبر روز جهانی ایدز

ایدز: طاعون زمانه ما؟

۴۰ سالگی، یعنی در برترین مرحله توانایی کاری و خلایق خویش قرار دارند. دشواریهای پیشگیری و درمان ایدز عامل اصلی بیماری ایدز و ویروسی به نام HIV است که از طریق رابطه جنسی، تزریق مواد مخدر با سرمهای آلوده، تزریق خون افراد مبتلا به ایدز و افراد نیازمند خون و... اشاعه می‌یابد. این ویروس پس از ورود به خون لنف یافته‌های تی‌یور (لنفوسیت‌ها) را نابود ساخته و بدن را در برابر میکروبها و عوامل بیماری‌زا بی‌دفاع می‌کند، به گونه‌ای که کوچکترین بیماری در اندامهایی همچون شش میتواند به مرگ بیانجامد. نشانه‌های اولیه بیماری معمولاً ۶ ماه تا ۳ سال پس از ورود ویروس به بدن پدیدار میشوند و مرگ بیمار میتواند تا ۱۰ سال پس از آن روی دهد.

تلاش پزشکان و پژوهشگران تاکنون نتوانسته است بیماران ایدزی را از ابتلای به امراضی که سامانه دفاعی بدن را به مبارزه می‌خوانند، تا حدودی مصون داشته و مرگ آنها را چند گاهی به عقب اندازد. در زمینه یافتن پادزهری علیه ایدز، دانش پزشکی به رغم کوشش و پژوهش ده ساله خویش هنوز به نتایج امیدبخشی دست نیافته است. دشواری آنجاست که ویروسهای HIV رفتار و کنشی متفاوت از سایر ویروسها دارند. واکنشهایی که تاکنون کشف و آزمایش شده‌اند، به سبب گونه‌گونی حالات و کنشهای HIV چندان نتیجه‌بخش نبوده‌اند. ویروسهای ایدز از یکسو به سامانه ژنتیک انسان هجوم می‌برند، امری که حمله به آنها را تقریباً ناممکن می‌سازد، و از سوی دیگر با تغییر پیوسته رویه خود شانس ادامه حیات خویش و ناکاراشدن واکسن را افزایش میدهند.

تا ده سال پیش تنها یک نوع از ویروس HIV شناخته شده بود، لیکن از سال ۱۹۸۶ پژوهشگران میدانند که از این ویروس دو نوع مختلف وجود دارد: HIV-۱ و HIV-۲. به رغم اینکه این دو ویروس تنها ۴۵٪ به یکدیگر شباهت دارند، لیکن بیماری ناشی از آنها دارای نمودهای یکسانی میباشد. هر دو ویروس زیرگونه‌های (Subtypes) مختلفی دارند که پیوسته به یکدیگر تبدیل میشوند. شمار زیرگونه‌های شناخته شده HIV-۱ پنج مورد میباشد که ساختار آنها تنها ۲۵٪ با یکدیگر اختلاف دارد. زیرگونه‌های کشف شده HIV-۲ تاکنون دو مورد بوده‌اند. پژوهشگران از رهگذر داده‌های واگیر شناختی (Epidemiologik) میدانند که برخی از زیرگونه‌ها تنها در نواحی و مناطقی مشخصی یافت میشوند و برخی دیگر در همه جای دنیا پراکنده‌اند. با توجه به گونه‌گونی ویروسها، واکنس‌های مقابله با آنها نیز باید متفاوت و گوناگون باشند، لذا از یک واکنس واحد نمیتوان سخن گفت. دشواری هنگامی بیشتر میشود که در یک بیمار، گونه‌های مختلف ویروس ایدز وجود داشته باشند؛ چنین خطری با طولانی‌تر شدن دوران بیماری افزایش بیشتری می‌یابد.

برپایه یافته‌ها و داده‌های یاد شده سازمان بهداشت جهانی پژوهشهای واگیرشناسانه‌ای را در کشورهای ایدز زده‌ای همچون برزیل، تایلند، رواندا و اوگاندا با هدف دستیابی به پادزهرهای مختلف آغاز نموده است. تا زمان کشف چنین واکنشهایی، برای مصون ماندن از ایدز هیچ راهی جز رابطه جنسی سالم، کنترل خونهای انتقالی و... وجود ندارد. کسی به ایدز مبتلا میشود نیز تنها زمانی از آسیب‌پذیری بیشتر در امان خواهد بود که در همان ماههای اول به بیماریش پی برده شود و پیش از بروز نشانه‌های آن وی را تبدیل ویروس به گونه‌ای دیگر، مورد دوا و درمانهای درازمدت و خنثی‌کننده قرار گیرد.

شمار بیماران مبتلا به ایدز که اینک ۱۲ میلیون نفر برآورد میشود تا سال ۲۰۰۰ به ۴۰ میلیون نفر خواهد رسید که ۹۰ درصد آنها از اهالی کشورهای جهان سوم خواهند بود. سطح پایین آموزش عمومی، فقدان امکانات بهداشتی و پیشگیرانه، بی‌اعتنایی و یا کم‌اعتنایی رسانه‌های گروهی به امر روشنگری اذهان عمومی نسبت به خطر ایدز و نیز روابط نامحدود جنسی در پاره‌ای از کشورهای افریقایی و آسیای از قوامل عمده اشاعه ایدز در جهان سوم میباشد. در برخی از کشورهای قاره سیاه هم اکنون تا ۱۰ درصد اهالی از بیماری ایدز رنج می‌برند. در ایران نیز که تا چهار سال پیش مقامات مسئول از کوچکترین اشاره‌ای به ایدز هار داشته و آن را بیماری کشورهای غربی میدانستند، اینک رسماً از وجود چهار صد بیمار مبتلا به ایدز سخن می‌رود که آن را هم عمدتاً به تزریق کیسه‌های خون آلوده نسبت میدهند. نیک پیداست که این رقم بازتاب دهنده شمار واقعی مبتلایان نباشد، زیرا در سطح کشور نه از آزمایشگاههای ویژه شناسایی ایدز و نه از ترفیب و تشویق مردم به کنشهای پیشگیرانه هیچ نشانی نیست. جمهوری اسلامی با بستن فاحشه‌خانه‌ها، بدون رفع زمینه‌های پیدایش این مراکز، این پدیده را به مجاری پوشیده و مخفی گوناگونی سوق داده است. گفتنی است که فاحشه‌ها و زنان هر جایی که با مردان گوناگونی سروکار دارند، اکنون در ایران که هنوز استفاده از کاپوت و... پدیده‌های فراگیر نیست، از عوامل اصلی اشاعه ایدز می‌باشند. از این سخن نباید سرکوب و محو فاحشه‌ها را نتیجه گرفت، بلکه باید زمینه‌های اجتماعی گرایش پاره‌ای از زنان به این کار یعنی فقر اقتصادی، فرهنگی و... را از میان برداشت و مردان را نیز با کار آگاه‌گرانه به سوی رابطه جنسی سالم و برخاسته از عشق و عاطفه سوق داد. رواج سفر به تایلند و کشورهای مشابه در میان بخشی از مردان ایرانی در سالهای پس از انقلاب نیز زمینه مساعدی برای ابتلای آنان به ایدز بوده است.

هنگامی که دیوار حاشا و انکار رژیم جمهوری اسلامی فرو ریزد، مردم خواهند توانست از ابعاد شیوع ایدز در جامعه شناخت و آگاهی بیشتری بیابند و به خطرات ناشی از آن و باآمال به راههای پیشگیری توجه بیشتری نشان دهند. برای آنکه آن هنگام دیر فرا نرسد، باید جمهوری اسلامی را برای پخش اطلاعات و آگاهی‌های لازم در زمینه بهداشت و تندرستی مردم و خطراتی که آنها را تهدید میکند، نیز زیر فشار گذاشت. احاله این امر به فردا شاید که پیامدهای بسیار نامطلوبی داشته باشد.

هم اکنون برای کار روشنگرانه و پیشگیرانه بر علیه ایدز سالانه در سراسر جهان تنها ۱۲ میلیون دلار هزینه میشود. سهم کشورهای صنعتی از این مبلغ هشتاد درصد و سهم آفریقا با بیشترین تعداد بیمار تنها ۲ درصد میباشد. برپایه برآورد سازمان بهداشت جهانی تنها یک کاهش سه درصدی در هزینه‌های تسلیحاتی به پس‌انداز ۲۰۰ میلیارد دلار خواهد انجامید؛ این مبلغ ۸۰ برابر پول مورد نیاز برای پیشگیری اساسی از ابتلای مردم جهان به ایدز می‌باشد. گزارش سازمان بهداشت جهانی حاکی از آن است که در سال ۱۹۹۲-۱۹۹۱ با هزینه تنها ۱۰ میلیون دلار ۳ میلیون از مردم تایلند از ابتلای به ایدز در امان می‌ماندند.

هم اکنون ۱۱ میلیون مبتلای به ایدز از افراد بالغ و یک میلیون نفر را کودکانی تشکیل میدهند که از پدران و یا مادران بیمار زاده شده‌اند. برپایه گزارش بنیاد پژوهشی لندن موسوم به پانوز، ایدز روند توسعه کشورهای در حال رشد را شدیداً با اختلال مواجه می‌سازد، زیرا اکثریت مبتلایان در سنین ۲۰ تا فقدان امکانات مواجه هستند. کمبود بودجه و اعتبارات مالی هر تلاشی در جهت رفع مشکلات بیشتر دانشگاهها را ناممکن ساخته است. مشکلات دانشگاه تهران به عنوان بزرگترین مرکز دانشگاهی کشور، نمونه‌ای است که از روی آن میتوان به وضعیت عمومی پی برد. در اعتراف رئیس دانشگاه تهران، این دانشگاه در سال جاری

با کسر بودجه یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومانی مواجه است و حتی قادر به پرداخت هزینه‌های خدماتی خود نیز نمی‌باشد. این وضع در تمامی دانشگاهها حاکم است. نتیجه این وضع، فقدان وسایل و تجهیزات، آزمایشگاهها، کتاب، منابع علمی معتبر و کتب، کسب‌وکارهای شدید رفاهی و معیشتی استادان و دانشجویان است که هر ساله موجب ترک تحصیل گروهی از دانشجویان می‌شود. دولت جمهوری اسلامی در ادامه خط مشی عمومی خود، واگذاری دانشگاهها به بخش خصوصی را چاره مشکلات موجود اعلام کرده است. یک نمونه اینگونه دانشگاهها، دانشگاه آزاد است. شعب این دانشگاه در بسیاری از شهرهای کشور دایر شده است. سهامداران اصلی این دانشگاه، آن را به یک دکان ادامه در صفحه ۷

خبرها و نظرها

انتشار نشریه راه توده

اخیراً نشریه "راه توده" پس از چند سال بار دیگر انتشار یافت. این نشریه تا چند سال پس از ضربه به حزب توده ایران با عنوان نشریه خارج از کشور حزب توده ایران منتشر می‌گردید. انتشار مجدد راه توده توسط برخی دست‌اندرکاران سابق این نشریه انجام می‌شود و بصورت مستقل منتشر می‌گردد.

در شماره دوم این نشریه مقاله‌ای با عنوان "دموکراسی سوسیالیستی" را بازنشاسیم درج گردیده که سمت‌گیری همومی این نشریه را همین می‌نماید. در این مقاله آمده است که "سوسیالیسم دولتی که در کشورهای شرق اروپا و به ویژه در اتحاد شوروی برای چند دهه اداره و هدایت کشور را به عهده داشت برخلاف اصول علمی مارکسیسم از بروز آشکار تضادهای اجتماعی جلوگیری کرد و در نتیجه فرو ریخت و اکنون پس از وقفه‌ای کوتاه که حاصل رویدادها بود احزاب کمونیست در چهار گوشه جهان جمعیتی چاره جویانه‌ای را شروع کرده‌اند." و در ادامه می‌نویسد این چاره جویی نه تنها احزاب کمونیست اپوزیسیون بلکه احزابی چون حزب کمونیست چین، کوبا و ویتنام و... را در بر می‌گیرد. در ادامه مقاله بر نتیجه‌گیری کنفرانسی در پراگ که با شرکت اعضای رهبری و کادرهای احزاب کمونیست ۱۱ کشور اروپایی و آسیایی تشکیل گردیده بود تأکید شده است "دموکراسی سوسیالیستی، اتحادهای وسیع اجتماعی کنترل و نظارت جامعه بر روندهای رشد اجتماعی و... می‌توانست از درون مراحل تکامل (امکان و بروز قانونی) تضادهای اجتماعی شکل گیرد"

در ادامه مقاله آندسته از طرفداران گذشته و یا معتقدین متزلزل که دمکراسی را بصورت هم و بیشتر تحت تأثیر تبلیغات جهان سرمایه‌داری نابر خاسته از اندیشه سوسیالیسم علمی مطرح می‌کنند مورد انتقاد قرار گرفته‌اند.

راه کارگر؛ درباره تحولات جمهوری اسلامی

آقای محمدرضا شالگونی در مقاله‌ای با عنوان "باز هم درباره تحولات جمهوری اسلامی" در نشریه راه کارگر تحولات اخیر رژیم را مورد بحث قرار داده است. وی در این مقاله امکان تحولات در درون رژیم را نفی کرده و پایه‌های نظری ایده‌های سازمان راه کارگر در نئی چنین امکاناتی را مورد بحث قرار داده است. وی جریان‌های اپوزیسیون را بدو گروه تقسیم نموده گروهی که صرف نظر از تفاوت‌های نظری و سیاسی با یکدیگر در چارچوب طرفداران امکان استحاله قرار دارند

گروه دوم نیروهایی که چنین امکاناتی را رد کرده و معتقدند ولایت فقیه و دولت ایدئولوژیک حیاتی‌ترین بنیاد نظری این رژیم است و چنین تحولاتی ناممکن است و سازمان راه کارگر همواره بر این نظر دوم بوده است.

وی در نقد نظر گروه اول مینویسد تمامی نیروهایی که به نوبه امکان استحاله را تایید می‌کنند بر این اعتقادند که بخشی از روحانیت می‌تواند در چنین تحولی مباشرت داشته باشد و "این تناقضی منطقی است زیرا ولایت فقیه بیان منافع ویژه روحانیت به عنوان یک گروه اجتماعی است. بیان منافع ویژه سیاسی و در نتیجه آن - نقطه‌در نتیجه آن - منافع ویژه اقتصادی و اجتماعی روحانیت تحت شرایط فرضی روحانیت می‌توانست و می‌تواند برای حفظ منافع اقتصادی و اجتماعی خود، از موقعیت ممتاز

سیاسی‌اش دست بردارد، اما نمی‌تواند در همان حال که برای حفظ منافع ویژه‌اش می‌کوشد، از اصلی که بیان این منافع ویژه سیاسی است دست بردارد... منافع ویژه روحانیت نمی‌گذارد، بتواند به هیچ یک از سه شقی که طرفداران استحاله پیش‌بینی می‌کنند منتهی شود."

وی در توضیح مشخصات رژیم جمهوری اسلامی بر سه مشخصه تکیه کرده و نوشته است اولاً رژیم جمهوری اسلامی یک دولت ایدئولوژیک مذهبی است، ثانیاً یک دولت بورژوازی (بناپارتیستی) است و ثالثاً دولتی برآمده از یک انقلاب توده‌ای است. و در این میان آنچه اهمیت تعیین کننده دارد "مشخصه نخست یعنی خصلت ایدئولوژیک جمهوری اسلامی است. زیرا روشن‌ترین شاخص هویت،

موجودیت و تناقض بنیادی و حل نشدنی این رژیم است. جمهوری اسلامی نادرترین دولت سرمایه‌داری است که در آن نه فقط دستگاه مذهب و دستگاه دولت کاملاً در هم ادغام شده‌اند بلکه دستگاه دولت زیر نظارت مستقیم دستگاه مذهب درآمده و بوسیله روحانیت هدایت می‌شود. بنابراین روحانیت پاسدار اصلی خصلت ایدئولوژیک جمهوری اسلامی است و در دفاع از آن منافع اخصی دارد"

وی در ادامه مقاله، نظرات خود را در باره چگونگی شکل‌گیری و دوام رژیم توضیح داده است و موجودیت رژیم را بر پایه سه گروه بزرگ امکان پذیر دانسته است. اولاً روحانیت، ثانیاً بخشی از توده‌های مردم که روحانیت بسیج نموده است و وی آنرا تحت عنوان مستضعفین نامیده و ثالثاً بازاریان. وی حیات رژیم را تنها با حفظ هر سه نیروی پایه‌ای رژیم امکان پذیر دانسته و همچنین تضاد منافع این نیروها با یکدیگر و بحران‌های ناشی از آن را مورد بررسی قرار داده است و نتیجه‌گیری نموده که هیأت مدیره رژیم همواره مجبور است مابین این گروه‌ها مانور دهد و اجازه ندهد نفوذ هیچیک از آنان از حد معینی تجاوز نماید. وی در تحلیل وقایع دوره اخیر بر روند مستضعف‌زدانی در بلوک حاکم که با انتخابات دوره دوم مجلس خبرگان آغاز گردید و انتخابات دوره چهارم مجلس شورای اسلامی و اخیراً با کودتای فرهنگی به اوج خود رسید، را مورد بحث قرار داده و نتیجه‌گیری نموده این روند و استراتژی اقتصادی نئولیبرالی که در ابتدا مورد استقبال بخش اعظم بورژوازی و بخش‌هایی از اشراف میانی قرار گرفت منجر به تقییری در بلوک نیروهای حاکم و گسترش این بلوک نگردید و اکنون تاریخ اندیشی دست در دست اقتصاد بازار به تاخت و تاز برخاسته است.

وی در خاتمه نتیجه‌گیری نموده است که مبارزه علیه رژیم می‌بایست از منطبق زیر تبعیت کند الف: طرح قاطع شعار جدائی دین از دولت. ب: تلاش برای همخوانی و هم‌آهنگی هر چه بیشتر میان جبهه فرهنگی (یعنی مبارزات مردم علیه تاریخ اندیشی رژیم) و جبهه طبقاتی (یعنی مبارزات کارگران و زحمتکشان و تمیذستان علیه آن) ج: سازماندهی هر چه جسورانه‌تر مبارزات هلی.

سمینار مشترک علیه تروریسم جمهوری اسلامی در بلژیک

بنابه دعوت "جمعیت دفاع از جمهوری و آزادی در ایران" در روز ۲۸ نوامبر، سمیناری در شهر بروکسل-بلژیک برگزار شد. موضوع این سمینار بحث و بررسی پیرامون ترور شخصیت‌های اپوزیسیون رژیم ایران و تروریسم جمهوری اسلامی بود. در این سمینار نمایندگان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، حزب دموکرات کردستان ایران، جمهوری خواهان ملی ایران، جمعه ملی ایران (فراکسیون متحد) و سازمان سوسیال دموکرات‌های ایران شرکت داشتند.

بنابر اعلام اداره کننده سمینار از نمایندگان حزب دموکراتیک مردم ایران، سازمان فدایی، سازمان کارگران انقلابی (راه کارگر) سازمان چریک‌های فدایی (شورای هالی) نیز دعوت بعمل آمده بود که حضور نداشتند. نماینده حزب دموکراتیک مردم ایران به هلت بیماری نتوانست

خود را به سمینار برساند. در این سمینار که با حضور جمعی از ایرانیان مقیم بلژیک انجام یافت، پس از ادای احترام نسبت به قربانیان واقعه ترور اخیر در برلین، دکتر شرفکندی، فاتح همدلی، همایون اردلان و نوری دهکردی، توسط نماینده حزب دموکرات کردستان ایران گزارشی در مورد جزئیات ترور مزبور ارائه شد و در تشریح شخصیت و دیدگاه‌های دکتر شرفکندی سخنانی ابراز گردید. وی در سخنان خود اصطلاحات داد که حزب دموکرات کردستان ایران راه و اندیشه‌های دکتر شرفکندی را پی خواهد گرفت. نمایندگان هر یک از سازمان‌ها و احزاب شرکت کننده، دیدگاه‌های خود و موارد قابل توجه در مورد ترور و تروریسم جمهوری اسلامی را تشریح کردند و همگی بر ضرورت اقدام همبسته و جمعی نیروهای اپوزیسیون در خارج از کشور تأکید کردند. در پایان، با توجه به تجربیات در برخی نقاط دیگر، بنابر پیشنهاد مجریان سمینار، تأیید حاضرین و اعلام پشتیبانی نمایندگان سازمان‌های شرکت کننده، یک کمیته ضد ترور در بلژیک برای مقابله افشاگرانه با تروریسم جمهوری اسلامی شکل گرفت.

کار، چشم بر راه یاری یاران است

خوانندگان گرامی! کار، انتشار خود را آمیختن استمال نرم شما عزیزان است. نشریه کار در آمدی جز حق اشتراک‌ها و تکمیر و تقویت ندارد. در آمدی که، بصورت تکامولی هزینه‌های سنگین انتشار آن را نمی‌دهد. کسری تر از پرداخت نشریه، تنها با کمک‌های دوستان بلند صفت آن جبران می‌گردد. مداوم انتشار نشریه کار در نیرو برقراری توازن بین درآمدها و هزینه‌های آنست و این امر شدنی است هرگاه نه رهجویی و بی‌شخصانه‌های ما با پاسخ در خور دوستانمان کار روبرو شود. پس همچون هر وقت دیگر با وجود به خود شما خوانندگان گرامی، شماره‌ای فرامی‌خوانیم تا:

- * کار را به دست دوستان و آشنایان خود برسانید و آنها را به اشتراک کار تشویق کنید.
- * اگر به نشریه به همکاری، در اسرع وقت بدهی خود را بپردازید.
- * برای پرداخت به موقع حق اشتراک کار، با بخش توزیع نشریه همکاری کنید.
- * در شناسائی مراکز فروش نشریات و مهر فی آنها به نشریه کار، بخش توزیع نشریه را یاری برسانید.

کمک‌های مالی رسیده

برای ادامه کاری نشریه کار، از طرف اعضای کمیته کشوری آلمان مبلغ ۵۰۰ مارک از طرف اعضای کمیته کشوری آلمان مبلغ ۵۰۰ مارک

حسن از بلژیک ۱۷۰۰ فرانک بلژیک
رفیق مهرنوش از بلژیک ۲۰۰ فرانک
از یاری همه دوستان متشکریم

دیدار هیئتی از اپوزیسیون با تعدادی از نمایندگان پارلمانی اروپا

روز دوشنبه ۹ نوامبر، هیئتی از نمایندگان از حزب دموکراتیک مردم ایران، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، حزب دموکرات کردستان ایران و نهضت مقاومت ملی ایران از کشورهای بنه لوکس (بلژیک، هلند و لوکزامبورگ) دیداری با تعدادی از نمایندگان پارلمان اروپا از کشورهای هلند، ایرلند، ایتالیا و انگلستان در محل پارلمان اروپا داشتند. در این دیدار مسائل مورد علاقه طرفین به بحث گذارده شد و درباره همکاری گروه‌های سیاسی ایران، چشم‌انداز دموکراسی در ایران آینده و مسئولیت اخلاقی و سیاسی بازار مشترک در رابطه با مسئله دموکراسی و حقوق بشر در ایران و بویژه مقابله با اقدامات تروریستی رژیم در خارج از ایران صحبت و گفتگو شد.

"فرهنگ توسعه"

نشریه ضرورت و هدف انتشار خود را این اعتقاد و تشخیص خلاصه‌نگری در این رابطه دانسته و نوشته است که میکوشد بحث توسعه را از زوایای مختلف آن طرح نماید. انتشار مباحث در حوزه فرهنگی نظیر ایدئولوژی، دین، علم، سنت، تجدد و... در حوزه اجتماعی نظیر قشر بندی، مهاجرت، جمعیت و... در حوزه اقتصادی نظیر خصوصی سازی، آزادسازی، تامین سرمایه، سازمان‌های بین‌المللی را در بر میگیرد.

به پدیده‌هایی چون فاصله میان کشورهای شمال و جنوب، بحران نظام اقتصادی اجتماعی تمامی کشورهای بویژه جنوب، فقر، آلودگی محیط زیست و... اشاره شده است.

با اشتراك کار ما را در پيشبرد وظيفمان ياري رسانيد

ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

بجای اشتراك نشریه کار

شش ماهه	یکساله
اروپا ۴۵ مارک	۹۰ مارک
سایر کشورها ۵۲ مارک	۱۰۴ مارک

مطالبی که با امضا فردی در کار درج می‌شود، لزوماً بیانگر موضع و نظر نشریه نیست.

حساب بانکی: M.ABD
NR_35263011
کدبانک: 37050198
Stadtsparkasse Köln
GERMANY

fax: 00 49 - 221 - 3318290

فرم اشتراك

برای اشتراك نشریه کار، فرم زیر را پر کرده، به آدرس نشریه کار ارسال نمایید.

مایلیم نشریه کار را برای مدت شش ماه یکسال مشترک شوم. معادل

بجای اشتراك بصورت حواله بانکی تمبر پستی همراه نامه است.

آدرس:

Name: _____ (لطفاً خوانا بنویسید)

Address: _____

یوگسلاوی سابق آبهتن درگیری های جدید

حزب الله مصر و اعلام جنگ به دولت

وضعیت نابهنجار اقتصادی، ارتش و فساد در دستگاه های دولتی و فحایع طبیعی از شاخص های برجسته جامعه مصر در سال های اخیر بوده اند. در چنین وضعیتی گروه «الجهاد» (حزب الله مصر) فرصت را ممتنم شمرد و با تجهیز خود و دریافت کمک از خارج به دولت اعلام جنگ داده است. از زمستان سال گذشته تاکنون هشتاد نفر هدف آتش نیروهای الجهاد قرار گرفته و از پای درآمده اند که در میان آنها به غیر از افراد پلیس مسیحیان، نویسندگان لائیک که با به قدرت رسیدن حزب الصیها مخالفند و توریست های خارجی نیز دیده میشوند.

برخی از رهبران الجهاد در نماز جمعه ها آشکارا مردم را به مبارزه مسلحانه علیه دولت فرا می خوانند. به گفته یکی از آنها دولت کافر را با انتخابات نمی توان برکنار کرد. وی که دو هفته پیش در مراسم نماز جمعه در یکی از مساجد شهر اسویت (پایگاه الجهاد) سخن می راند، افزود: «خالد اسلامبولی (قاتل انور سادات) به ما آموخت که تعویض قدرت تنها با آتش سلاح ممکن است».

از آنجایی که مسیحیان قبطی مصر و نیز یهودیان این کشور با روی کار آمدن دولتی مذهبی مخالفند، برخی از سران الجهاد آنها را نیز دشمنان اسلام دانسته و مبارزه با آنها را امری شرعی قلمداد می کنند. درگیری الجهاد با مسیحیان قبطی در مارس گذشته از چنین باوری ناشی می شود. الجهاد اخیرا برای ضربه زدن به اقتصاد مصر توریست ها را که منبع درآمد ارزی نسبتا خوبی (۳ میلیارد دلار در سال) برای دولت هستند، مورد حمله قرار می دهند. اتوبوس های این توریست ها از آتش الجهاد در امان نیست و تاکنون چندین توریست کشته و زخمی شده اند.

از روز سه شنبه ۱۵ نوامبر وزیر کشور مصر در اسویت مقررات منع آمد و شد را به اجرا گذاشته است. حسنی مبارک رئیس جمهور مصر چند روز بعد در سخنرانی خود در مجلس که از رهگذر یک انتخابات فیردمکراتیک اکثریت آن به دست نمایندگان حزب مبارک افتاده، با حمله به رژیم جمهوری اسلامی سران آن را متهم کرد که با حمایت مالی و نظامی خود الجهاد راهبیه دولت مصر تجهیز می کنند. به گفته وی تهران افراد الجهاد را در پایگاه هایی در خاک سودان آموزش نظامی می دهد.

چنانکه آمد وضعیت بد اقتصادی، بیکاری گسترده، فساد و ناتوانی دستگاه های دولتی، سیاست های خارجی شدیداً دنباله روانه در قبال امریکا و اسرائیل و... مردم مصر را بیش از پیش نسبت به زمامداران این کشور بی اعتماد کرده و از این رهگذر زمینه مناسبی برای نیروگیری گروه های افراطی پدید آمده است. در زلزله ای که اخیرا در قاهره روی داده، نیروهای الجهاد سریعتر از نیروهای دولتی به کمک اهالی شتافته و با شبکه نسبتا سازمان یافته ای مردم را در ایجاد سرپناه و کشف اجساد و وسایل زندگی خود یاری دادند. امری که، ناتوانی دستگاه های دولتی را بیش از پیش برای مردم آشکارتر ساخت.

نیروهای چپ و دموکراتیک مصر پراکنده هستند و مدام در زیر فشار دولتند. در انتخابات شهرها و نواحی که اخیرا برگزار شد، حزب دولتی مبارک با تقلب گسترده توانست اکثریت آرا را به نفع خود تثبیت کرده و نیروهای دیگر را از میدان بدر کند. سازمان زنان مصر که یگانه سازمان مستقل و فراگیر زنان در جهان بود نیز سال گذشته با حکم دولت منحل و فعالیت آن ممنوع اعلام شد.

برقرار است. به گفته یوزاف بوکشی، نخست وزیر دولت فیرقانونی کوزوو، پیشنهاد تقسیم این ایالت میان صربستان و آلبانی که از سوی کوسیک ارائه شده، فیرقابل قبول است، چرا که در این صورت صربها بخش به لحاظ اقتصادی فعال و پر منابع کوزوو را در اختیار خود خواهند گرفت. یادآوری میشود که ۶۰٪ منابع زغال سنگ یوگسلاوی سابق در کوزوو نهفته است، صنایع اذت و کود شیمیایی، یکی از بزرگترین مجتمع های هظیم تصفیه سرب در جهان و نیز نیروگاه های حرارتی از جمله امکانات دیگر اقتصادی و صنعتی کوزوو میباشند.

بوکشی مسالمت آمیز صربها و آلبانیاییها در کوزوو را به شرطی که دولت مستقل این کشور به رسمیت شناخته شود، امری ممکن و واقعی میدانند. اما بعید است که صربها با چنین خواستی موافقت کرده و برای کوزوو حقی بیشتر از خودمختاری قائل شوند. شورش آلبانیاییها برای دستیابی به کشور مستقل خود به گفته بوکشی احتمالا به جنگی منجر خواهد شد که آلبانی، آلبانی تبارهای مقدونیه و یونان را نیز به کام خود خواهد کشید و اروپا را بیش از پیش به سوی ویرانی و نیستی سوق خواهد داد. گرچه رهبران کوزوو در راه دستیابی به خواسته های خود کاربرد تهر و خشونت را مردود می شمرند، اما در تداوم بحران بعید نیست که کوزوو درگیر جنگی خانمانسوز گردد.

در مقدونیه علاوه بر خود مقدونیه اقلیت های آلبانیایی، صرب، بلغار و یونانی نیز زندگی می کنند که در میان آنها اقلیت آلبانیایی بزرگترین اقلیت است. اما حقوق این اقلیتها بویژه آلبانیاییها چندان که باید و شاید به رسمیت شناخته نمیشود و آنها به نسبت جمعیت خود در ارگانهای اجرایی، قانونگذاری و ارتش نماینده ندارند. همین امر تحریکات احتمالی یونان و صربستان اخیرا به درگیری و تشنج میان آلبانیاییها و ماموران دولتی انجامیده است، رویدادی که در تداوم خود میتواند ابعادی گسترده یافته و جنگ را به مرزهای مقدونیه با آلبانی، یونان و... بکشاند.

در کوزوو (ایالت خودمختار جنوب صربستان) نیز از سالهای پیش میان آلبانیاییها که با دو میلیون نفر هشتاد درصد جمعیت را تشکیل میدهند با ارگانهای محلی که همدتا در دست صربهاست کشاکش و درگیری جریان دارد. دولت محلی منتخب مردم در این ایالت از سوی صربها فیرقانونی اعلام شده و آلبانیاییها به شدت مورد تضییق و بی عدالتی قرار میگیرند. به رقم سفرهای پیاپی کوسیک، رهبر یوگسلاوی جدید (مرکز از صربستان و مونترگو) به کوزوو و مذاکرات وی با رهبران این منطقه، هنوز امیدیه به حل مسالمت آمیز بحران نمیرود. آلبانیاییها یکی از نشانه های آمادگی واقعی رهبران صرب برای حل مسئله کوزوو را لغو حالت نوق العادهای می دانند که از سال ۱۹۹۰ در این منطقه

کرد و مقدونیه خاوری و بندر سالونیک را به یونان واگذاشت و تنها قطعه کوچکی به بلغارستان داده شد. از آن پس بود که سازمانی به نام «سازمان انقلابی مقدونیه داخلی» با اقدامات تروستی و نیز با تاثیرگذاری بر سیاست بلغارستان بر آن شد که تا مقدونیه یونان و مقدونیه یوگسلاوی را به بلغارستان ملحق سازد. این امر سبب شد که در فاصله دو جنگ جهانی میان بلغارستان و همسایگانش نبردهایی درگیرد. در سالهای ۱۹۴۴-۱۹۴۱ بلغارستان مناطق یونانی و یوگسلاویایی مقدونیه را تسخیر کرد، اما به موجب پیمانهای صلح پاریس دوباره به مرزهای پیش از جنگ برگشت. هم اکنون گرچه دیگر «سازمان انقلابی مقدونیه داخلی» وجود خارجی ندارد، اما رهبران جدید مقدونیه ظاهرا به پاره ای از آرمانها و اهداف آن وفادار مانده اند. حزب «ومرو» پرنفوذترین سازمان سیاسی در مقدونیه اخیرا نقشه هایی انتشار داده که در آنها مقدونیه یونان بعنوان منطقه اشغالی نامگذاری شده است. بندر سالونیک یونان نیز قرار است در آینده پایتخت مقدونیه بزرگ شود. قانون اساسی جدید مقدونیه نیز دست پارلمان را در تغییر مرزهای کشور بازگذاشته است. مهم این مسائل چنان حساسیت یونان را برانگیخته که نخست وزیر این کشور این روزها از این کشور به آن کشور می رود تا دولتهای مختلف را از شناسایی مقدونیه با نام کنونی اش بازدارد.

فروپاشی یوگسلاوی که با جنگهای خونین و آوارگی گسترده مردم همراه بوده است، احتمالا در بوسنی - هرزگوین پایان نخواهد یافت. وضعیت بحرانی مقدونیه و نیز کشاکش آلبانیایی های کوزوو (ایالتی در جنوب صربستان) با دولت مرکزی صربستان میتواند زمینه ساز درگیری های خونین دیگری باشد. هم اکنون مقدونیه به سبب چشمداشت رهبران پیشین و فعلی آن به مقدونیه یونان از شناسایی یونان از کشورهای جهان و بویژه کشورهای اروپایی خواسته است که مقدونیه را تنها پس از آن که نام خود را تغییر داد به رسمیت بشناسند در واقع تنازعات تاریخی در بالکان بر سر مقدونیه و نیز مواضع رهبران کنونی این کشور یونان را نسبت به استقلال آن حساس ساخته است.

مقدونیه در سده چهارم پیش از میلاد قلب امپراتوری بزرگی بود که بعدا ایالتی از روم شد. مقدونیه در سده هشتم میلادی مستعمره اسلاوها (بلغارها) شد و در سال ۱۳۸۰ به دست ترکان عثمانی افتاد. بر اساس پیمان سان استفانو، بلغارستان توانست در سال ۱۸۷۸ مقدونیه را دوباره از عثمانی بازپس گیرد، اما اندکی بعد یونان، صربستان و بعدها یوگسلاوی مدعی حاکمیت بر آن شدند و یکی از همل جنگ های بالکان اختلاف بر سر همین مقدونیه بود. در سال ۱۹۱۹ پیمان نویلی بخش اعظم مقدونیه را «صربستان جنوبی» قلمداد

پس از کنفرانس کپنهاک نابودی ازن جو ادامه خواهد یافت؟

که اگر وضع به همین منوال پیش رود، تنهایی لایه ازن چنان ابعادی خواهد گرفت که تلاشها و اقدامات بعدی هیچ موده های بیار نخواهد آورد. این هشدار بویژه در میان کشورهای بزرگ صنعتی بازتابی نیافت و لذا کنفرانس هیچ تصمیم تصعدآوری درباره کاهش تولید و کاربرد آنت کشهای زیانمند اتخاذ نکرد.

در کنفرانس لندن مقرر شده بود که شورهای همچون چین، هند و... در زمینه عدم کاربرد کلروفلوروکربن و تولید ماده جایگزین، از کشورهای صنعتی کمک های علمی و در طی سه سال ۲۴۰ میلیون دلار کمک دریافت دارند؛ این قرار تاکنون تنها تقسما به اجرا درآمده است. به گفته مصطفی تولیا چین، هند و... برای اجرای کامل منع کاربرد ماده نابود ساز ازن تا سال ۱۹۹۶ حداقل به ۵۰۰ میلیون دلار کمک مالی دیگر نیازمندند، لیکن کشورهای فریبی در کنفرانس کپنهاک درباره اعطای چنین کمکی هیچ قول مساعدی ندادند. این در حالی است که این کشورها با امضای اسناد کنفرانس زمین در ریبو تعهد کرده اند که همه گونه اقدام لازم را در جهت پاسداری از زیستبوم (محیط زیست) به عمل آورند.

نابود ساز ازن بود. در این راستا توافق شد که منع کامل تولید کلرو فلوروکربن نه در سال ۲۰۰۰ بلکه چهار سال زودتر یعنی در سال ۱۹۹۶ به اجرا در آید. اما در مورد ماده مشابه یعنی کلرو فلوروکربن ضمنا هالوژنیده (هالوژنی شده) که نسبت به ماده اصلی فقط اندکی کم خطرتر است، مقرر گردید که تا سال ۲۰۰۴ از تولید آن نقطه به میزان ۳۰ درصد کاسته شده و طی مراحل بعدی تا سال ۲۰۳۰ منع کامل آن برقرار شود. این تصمیم فیرمسئولانه کنفرانس همدتا منافع کنسرنهای صنعتی را تأمین کرده و از فشار بر آنها در جهت یافتن ماده های بی خطر یادستکم کم خطر میگذارد.

ناکامی اجلاس کپنهاک در تعیین یک سقف زمانی برای کاهش تولید و کاربرد متیل برمید (CH₃-Br)، از آنت کشهای کشاورزی که به نوبه خود سمم عمده ای در نابودی ازن دارد نیز خشم و ناخشنودی بسیاری از محافل و نیروهای هوادار محیط زیست را برانگیخت. مصطفی تولیا، دبیر کل بنیاد محیط زیست سازمان ملل، در آغاز کنفرانس پیشنهاد نمود که از کاربرد متیل برمید تا سال ۲۰۰۰ به میزان یک چهارم کاسته شود. او هشدار داد

و سپس تا سال ۱۹۹۳، ۲۰ درصد تا سال ۱۹۹۸، ۳۰ درصد میزان آن کاسته شود. کلرو فلوروکربن ماده ای است بی اثر که ازن را بعنوان ماده سیال در یخچالها، تهویه گرهای هوا، محرکه در خوشبو کننده ها و محصولات دیگر، در انشانهای آژروسل و نیز در تهیه ماده های سبک و کف مانند برای بسته بندی غذاها استفاده می شود. این ماده بی اثر اما با رسیدن به لایه ازن زیر تاثیر نور خورشید تجزیه شده و اتمهای کلر آن ازن را تابه می سازند.

بزرگتر شدن حفره ازن نگرانی از پیامدهای ورود گسترده پرتو فرابنفش به جو زمین را به جایی رساند که در دومین کنفرانس ازن (سال ۱۹۹۰ در لندن) ۹۲ کشور به منع کامل تولید کلروفلوروکربن تا سال ۲۰۰۰ رای دادند. نابودی لایه ازن که در آغاز بر فراز استرالیا، زلاندنو و آمریکای جنوبی مشاهده می شد، بتدریج اروپا و آمریکا را نیز در بر گرفت و ضرورت اقدامات عاجل را آشکارتر ساخت. از همین رو هدف اصلی چهارمین کنفرانس ازن که از ۲۳ تا ۲۵ نوامبر در کپنهاک (دانمارک) برگزار گردید، تسریع زمانی در منع کامل مواد

ازن (اکسیژن سنگین - O₃) موجود در جو به صورت یک سپر (لایه) از رسیدن پرتوهای زیانمند خورشید بویژه پرتو فرا بنفش (U teraviolet) به زمین جلوگیری می کند. پرتو فرابنفش نه تنها امکان ابتلا به سرطان پوست را افزایش می دهد، بلکه به دستگاه دفاعی بدن نیز آسیب زده و آن را تضعیف می کند؛ فراتر از آن به نابودی ریز زیستمنان (میکرو ارگانیسم ها) یعنی عاملین نو ساخت (فتو سنتز) منجر شده و بنیاد چرخه غذایی زمین را مختل می سازد.

گرچه از سال ۱۹۷۴ دلائل و شواهدی دال بر نازک شدن لایه ازن جو در دست بود، لیکن تنها پس از سال ۱۹۸۶ که دانشمندان انگلیسی از وجود یک حفره در لایه ازن بر فراز قاره جنوبگان (آنتارکتیکا) خبر دادند، حفاظت از ازن جو اهمیت و ضرورت بیشتری کسب نمود. در همین راستا نخستین «کنفرانس ازن» در سال ۱۹۸۷ برگزار گردید که ۳۹ کشور در آن شرکت داشتند. بر اساس پیمان مصوب این کنفرانس با نام «محدود سازی ۲۰-۳۰» می بایست تولید پنج نوع از ترکیبات مهم کلرو فلوروکربن در سطح سال ۱۹۸۶ باقی مانده

قتل سه ترک در مولن

اوج حرکات نئونازی ها در آلمان

ادامه از صفحه ۱۲

اقدامات در این زمینه در ترکیه و اسرائیل صورت گرفت. حتی برخی از اعضای کابینه اسرائیل از تحریم روابط اسرائیل و آلمان فراخواندن نماینده سیاسی اسرائیل از آلمان سخن به میان آوردند.

اقدام فیرانسانی اخیر فجع ترین صحنه عملیات ضدخارجی گروه های راست افراطی آلمان است که بویژه طی سال اخیر به شدت بردامنه آن افزوده شده است. بر اساس آمار منتشر شده توسط موسسات دولتی و رسانه های گروهی آلمان در سال جاری میلادی آلمان شاهد بیش از صد مورد تهاجم نژادپرستان آلمانی به خارجی ها، بویژه متقاضیان پناهنگی و اماکن آنان بوده است. در سال گذشته حرکات ضدیهودی نیز در آلمان روبه فزونی داشته است.

این روند موجد نگرانی برحق نیروهای انسان دوست و ترقی خواه آلمانی نیز شده است.

نوامبر سال جاری شاهد تظاهرات صدها هزار نفری مردم آلمان در مخالفت با موح خارجی ستیزی و نژادپرستی بوده است. گسترش نژادپرستی در آلمان ریشه های فرهنگی، تاریخی و اجتماعی گوناگون دارد. این نوشته کوتاه جای بررسی این ریشه ها و نیز نقشی که احزاب دست راستی حاکم بر آلمان در چندسال اخیر در تشدید راست گرایی افراطی و نژادپرستی در این کشور داشته اند نیست. لیکن توجه به این نکته حائز اهمیت است که بدون برخوردی حساب شده و قاطع از سوی احزاب بزرگ و دولت آلمان، نژادپرستی در این کشور قابل مهار نخواهد بود. اقدامات موضعی نظیر ممنوع کردن یک گروه کوچک نئونازی به نام جبهه ملی آلمان که بیش از صد عضو داشت، راه همل این معضل نیست. فشار دولت های خارجی در این زمینه بسیار مهم و موثر خواهد بود.

قتل سه ترک در مولن اوج حرکات نئونازیها در آلمان

شبانه ۲۲ نوامبر در شهر مولن آلمان سه ترک به طرز فجیعی به قتل رسیدند. آن‌ها در مامن خود طعمه حریقی شدند که توسط نئونازیها فروخته شده بود. پیرزن ۵۱ ساله و دو دختر بچه ۱۰ و ۱۴ ساله زنده زنده در آتش سوختند چهره آن‌ها زشت سوختگی دیگر قابل شناسایی نبود.

در پی‌گیری پرونده قتل تکان‌دهنده مولن پلیس آلمان موفق به دستگیری دو تن از اعضای گروه‌های راست افراطی شده است. این دو تن به نام‌های لارس کریستیانسن، ۱۹ ساله و میثائیل پترز، ۲۵ ساله باید از خود در برابر اتهام قتل سه تن، مجروح کردن چند تن دیگر و نیز ایجاد حریق دفاع کنند. پس از گذشت چند روز از دستگیری متهمین پلیس آلمان اعلام کرد که هر دو متهم به دست داشتن در این اقدام غیر انسانی اعتراف کرده‌اند. البته آخرین خبر حاکی از آن است که هر دو متهم اعترافات خود را تکذیب کرده‌اند. در پی این اقدام متهمین، دادستانی فدرال آلمان اعلام کرد که اساس دستگیری این دو تن نه اعترافات آنان بلکه وجود شواهدی دال بر شرکت آنها در جنایات نامبرده است.

این اقدام موج هم‌دردی گسترده‌ای را در آلمان برانگیخت. بسیاری از شخصیت‌های سرشناس آلمانی از جمله بیورن انگولم صدر حزب سوسیال دموکرات آلمان از جنایت دیدار و با بازماندگان قربانیان این قتل گشتگو کرد. تا روزها محل مذکور مملو از دسته‌های گل بود که از طرف مردم به یاد جانباختگان در آنجا انباشته شده بود.

در بسیاری از کشورهای دیگر نیز موج مخالفت شدیدی با افزایش چشمگیر و روزافزون راست‌گرایی و نژادپرستی در آلمان گسترده شد. وسیع‌ترین ادامه در صفحه ۱۱

کنگره نمایندگان خلق در روسیه

بوده است. با این حال، دادگاه قانون اساسی روسیه بر ممنوعیت فعالیت رهبری حزب کمونیست



شوروی توسط یلتسین صحه گذاشت. پس از اعلام رای دادگاه، نمایندگان حزب کمونیست اعلام کردند که این رای را صدور مجوز برای فعالیت مجدد تلقی خواهند کرد. غیرقانونی اعلام شدن ممنوعیت کامل حزب کمونیست

اجلاس کنگره نمایندگان خلق روسیه که شورای عالی، پارلمان این کشور، منتخب آن است، در مسکو آغاز به کار کرد. دو روز نخست کار این اجلاس، برخلاف انتظار بدون بحث‌های شدید و مشاجراتی که معمولاً در این کنگره صورت می‌گیرد، گذشت. اکثریت نمایندگان کنگره به یک طرح برای محاکمه یلتسین به خاطر صدور فرمان ممنوعیت حزب کمونیست، رای مخالف دادند. طرح مخالفان یلتسین، یک سوم آرای کنگره را بدست آورد.

یک روز پیش از آغاز کار کنگره نمایندگان خلق، دادگاه قانون اساسی روسیه حکم خود را در محاکمه حزب کمونیست این کشور صادر کرد. به موجب این حکم، اقدام یلتسین در ممنوع اعلام کردن سازمان‌های پایه حزب کمونیست و مصادره اموالی که حزب بدون ارتباط با دولت بدست آورده است، غیرقانونی

هونگر سکوت خود را شکست

روز پنجشنبه ۳ دسامبر ارایش هونگر به سکوت خود در دادگاه پایان داد.

سرمايه‌داری و دستگاه قضایی آلمان را مورد انتقاد شدید قرار داد. او صلاحیت دادگاه را مورد تردید دانست و اتهام به قتل دسته جمعی را که به وی و هم پرونده‌هایش نسبت داده می‌شود، رد کرد.

هونگر در سخنان خود گفت که دادگاه، دادگاه پیروزمندان علیه مغلوبین است، او جریان محاکمه خود را یک نمایشنامه سیاسی و یک دادگاه نورنبرگ علیه کمونیست‌ها و باین هدف خواند که سوسیالیسم و حکومت جمهوری دموکراتیک آلمان را بی‌اعتبار کند و رقیب سیاسی خود را با توسل به حق مجازات از میان بردارد. او پیرامون موارد مرگ در دیوار برلین گفت: «مرگ غیر طبیعی هر انسانی در کشور ما، ما را تحت

تأثیر قرار می‌داد. مرگ در دیوار برلین نه تنها از لحاظ اخلاقی ما را متاثر کرد، بلکه به لحاظ سیاسی نیز به ما ضربه زد». «مقتولین دیوار از قرار در خدمت اثبات فیژانسانی بودن جمهوری دموکراتیک آلمان و سوسیالیسم و انحراف اذهان از اوضاع وخیم کنونی و قربانیان اقتصاد اجتماعی بازار قرار می‌گیرند».

هونگر کیفر خواست را یک اقدام غیر حقوقی دانست و آن را با نظر داشت تقابل بلوک‌ها پس از جنگ جهانی دوم رد کرد. به گفته هونگر تصمیم منبئ بر بستن مرزها در آلمان در ۵ اوت ۱۹۶۱ در مسکو توسط پیمان ورشو که جمهوری دموکراتیک آلمان بخش کوچکی از آن بود، با شفاف اتخاذ نشده بود. او، هونگر، شخصاً در مسئولیت ساختمان دیوار برلین شریک و خواستار آن بوده است. چرا که در غیر این صورت موقعیت متشنج آن زمان خطر

در آستانه برگزاری اجلاس کنگره نمایندگان خلق، برای بار بیست و یکمین رئیس جمهور روسیه یک شکست محسوب گردید.

مخالفان یلتسین از ماه‌ها پیش میکوشند تا نمایندگان کنگره را متقاعد کنند که اختیارات ویژه یلتسین نباید تمدید شود. طبق این اختیارات ویژه، رئیس جمهور روسیه دست به صدور فرمانی می‌زند که عملاً حکم قانون را دارند. یلتسین در واکنش نسبت به تلاش‌های مخالفانش، پیش از آغاز کار کنگره کوشید نظر موافق «اتحادیه شهروندان» را نسبت به مشی دولت خود جلب کند. این گروه که تعداد زیادی از نمایندگان کنگره تحت نفوذ آن قرار دارند، توسط مدیران صنایع روسیه تاسیس شده است و گفته میشود خواهان انتصاب نخست وزیر از صفوف خود است. معلوم نیست یلتسین برای جلب حمایت این گروه، تا چه حد به خواست‌های آنها تن داده است.

یک جنگ جهانی و اتمی جهان را تعدید میکند. گذشته از آن تقسیم آلمان به سه کار کمونیست‌ها، بلکه کار متفقین غربی و کونراد آدنائر بوده است». بدون قرارداد میان دو آلمان که تنها با احداث دیوار برلین امکان پذیر شد، نه تشنج زدائی سیاسی و نه وحدت آلمان، قابل تحقق نبود.

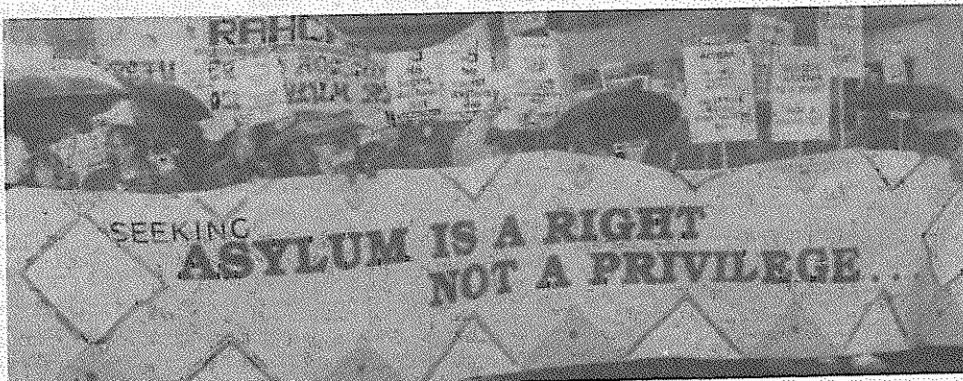
هونگر در مقایسه با ساختار اجتماعی آلمان غربی، تجربه شکست خورده جمهوری دموکراتیک آلمان را مثبت خواند که در آن بیکاری، بی‌مسکنی، اعتیاد وجود نداشت و میزان جرائم جنائی بسیار کمتر بود. وی سخنرانی خود را با این اشاره آغاز کرده بود که بدلیل بیماری مملکتش بهر حال حکم دادگاه و مجازات خود را شاهد نخواهد بود و با این سخنان به گفته‌های خود پایان داد: «کاری را که نمی‌توانید نکنید، انجام دهید».

تظاهرات علیه محدودیت حق پناهندگی در بریتانیا

طول راه علیه لایحه محدودیت پناهندگی و مهاجرت شعار دادند.

در طول تظاهرات مردم بدنبال شعار «پناهندگی حق است نه امتیاز» راهپیمایی کردند و در

سراسری، جمعیت ضدفاشیسم و نازی و شوراهای ملیت‌های ساکن بریتانیا بوده‌اند.



شعار تظاهرات: «پناهندگی حق است نه امتیاز»

رای سازمان ملل متحد به نفع کوبا و علیه ایالات متحده

کنوانسیون‌های اقتصادی و تجاری مربوط به آزادی تجارت را حمایت و از تصویب و اعمال قوانینی که یک کشور را تحت محدودیت اقتصادی غیرمجاز قرار می‌دهد، اجتناب کنند.

لازم به تذکر است که کنگره ایالات متحده در قانونی که ماه گذشته تصویب کرد، تصمیم به اعمال فشارهای اقتصادی شدیدتر بر کوبا گرفت بر اساس این قانون هر محکوم کرده است. این قطعنامه همچنین از کشورهای جهان خواسته است که تعهدات خود را قبل سازمان ملل متحد و

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در یک رای گیری غیر منتظره با ۵۹ رای موافق، ۷۱ رای ممتنع و تناسه رای مخالف ایالات متحده، اسرائیل و رومانی اقدام ایالات متحده آمریکا در برقراری تحریم اقتصادی علیه کوبا را محکوم کرد. ۳۴ کشور از شرکت در رای گیری امتناع کردند. این قطعنامه در مقدمه خود اعمال این تصمیم آمریکا را رسماً محکوم کرده است. این قطعنامه همچنین از کشورهای جهان خواسته است که تعهدات خود را قبل سازمان ملل متحد و

آیا قبرس

یکپارچگی خود را باز خواهد یافت؟

اقتصادی به سود همه مردم خواهد بود. در قبرس متحد ترک‌ها و یونانی‌ها میتوانند با بهره‌گیری از امکانات اقتصادی جزیره، آن را به الگویی برای منطقه بدل سازند.

اما مذاکراتی که از تابستان گذشته درباره وحدت قبرس آغاز شده، تاکنون نتیجه چندانی به بار نیاورده است. پس از آنکه دور اول مذاکرات با شرکت رثوف دنکاتاش (رهبر ترک‌های قبرس) و جورجیس واسیلیو (رئیس جمهور قبرس) در تابستان امسال بی نتیجه ماند، سه هفته پیش دور دوم این مذاکرات در مقر سازمان ملل در نیویورک از سر گرفته شد. مبنای این مذاکرات طرحی است که در گفتگوهای طولانی دنکاتاش، واسیلیو و رهبران ترکیه و یونان به نایبند ویژه سازمان ملل اعلام شده و نوبی فدراسیون را برای قبرس پیشنهاد می‌کند. دنکاتاش که قبلاً موافقت کلی خود را با این طرح اعلام نموده بود، در مذاکرات اخیر با اتخاذ مواضع سرسختانه‌ای از پذیرش آن سرباز زد. به گفته محافل آگاه در سازمان ملل، پتروس فالی دبیر کل این سازمان دنکاتاش را به خاطر عدم آمادگی در حل مسئله آوارگان، پانشاری بر وجود دو دولت در قبرس و مخالفت با طرح فدراسیون مورد حمله قرار داده و وی را مخالف قطعنامه‌های سازمان ملل و جامعه بین‌الملل خوانده است. به گفته فالی این دور مذاکرات نیز چیزی جز هدر دادن وقت نبوده و شورای امنیت باید درباره چگونگی ادامه مذاکرات اتخاذ تصمیم کند.

دنکاتاش مارس سال آینده را به عنوان تاریخی برای ادامه مذاکرات پیشنهاد نموده است. اینکه در این تاریخ مذاکرات از سر گرفته شود، از یکسو به اولویتها در سیاست خارجی کاخ سفید و انگیزه آمریکا برای حل مسئله قبرس و از سوی دیگر به نتایج انتخابات ریاست جمهوری در قبرس جنوبی بستگی خواهد داشت. این منطقه در فوریه آینده شاهد انتخابات ریاست جمهوری خواهد بود که اگر در آن محافظه‌کاران بر حزب واسیلیو احزاب متحد آن پیروز شوند، آینده مذاکرات قبرس برای مدت نامعلومی در ایهام خواهد ماند.

سال ۱۹۷۴، پس از آنکه هواداران یونانی اناو. کا. (سازمان ملی رزمندگان قبرس - یکی از نیروهای افراطی که خواهان الحاق قبرس به یونان است) که در گارد ملی قبرس خدمت میکردند بر علیه ماکاریوس، رئیس جمهور این کشور دست به کودتا زدند، وی فراری شد و آشوب این کشور را فرا گرفت. دولت ترکیه فرصت مناسبی برای مداخله در قبرس یافت و با کمک نیروهای مسلح بخش شمالی جزیره را که ترک‌نشین است، اشغال نمود. هم‌اینک قبرس دارای دو دولت است. دولت رسمی این کشور که اکثریت یونانی این جزیره را نمایندگی می‌کند، از شناسایی بین‌المللی برخوردار است و از چند سال پیش میکوشد که در مذاکره با رهبران ترک جزیره وحدت قبرس را دوباره احیا کند. دولت ترک قبرس که خود را نماینده اهالی ترک شمال قبرس میدانند، در سال ۱۹۸۳ اعلام وجودیت نموده و تاکنون تنها از سوی ترکیه به رسمیت شناخته شده است. قبرس نزدیک به ۱۰ هزار کیلومتر مربع مساحت دارد. از ۷۵۰ هزار نفر جمعیت این کشور ۱۸ درصد را ترک‌ها تشکیل میدهند که ۳۷ درصد خاک جزیره را در اختیار دارند. ۷۰ درصد امکانات اقتصادی قبرس در این منطقه متمرکز است. با اینکه قبرس شمالی به لحاظ اقتصادی به کمکهایی دولت ترکیه وابسته است. این ناحیه دیگر از ارز حاصل از توریسم که منبع اصلی درآمد قبرس است، سهم چندانی نمیببرد و رفت و آمد توریست‌ها به آن شدیداً کاهش یافته است. صنعت و کشاورزی این منطقه نیز به‌رغم حضور ۸۰ هزار کارگر و کارشناس ترک ترکیه هنوز رونقی نیافته و انزوای بین‌المللی فشار اقتصادی مضاعفی را به آن تحمیل می‌کند. در جنوب قبرس اما اقتصاد نسبتاً در رونق است و رشد آن در سال جاری بر ۹/۲ درصد بالغ خواهد شد. نرخ تورم در این منطقه ۵ درصد و بیکاری پایینتر از دو درصد است. رفت و آمد گسترده توریست‌ها و روابط اقتصادی و تجاری با کشورهای دیگر از عوامل عمده این رونق اقتصادی هستند. در مجموع میتوان گفت که حل عادلانه مسئله قبرس و وحدت مجدد این کشور به لحاظ